

کتاب‌آبی

گزارش‌های محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد چهارم

از تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۰۹ تا ۳۰ دسامبر ۱۹۱۰

بکوشش احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

جلد چهارم

۵ دسامبر ۱۹۰۹ تا ۳۰ دسامبر ۱۹۱۰
[۱۳ آذر ۱۲۸۸ تا ۸ دی ۱۲۸۹؛
۲۱ ذیقعده ۱۳۲۷ تا ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۸]

نشر نو
تهران، ۱۳۶۳

چاپ اول: ۱۳۶۳
تعداد: ۵۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

لیتوگرافی: مؤسسه بهار
چاپ: چاپخانه کتیبه

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآوردندگان مطالب کتاب، به‌دلیل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴-۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

www.adabestane-kave.com

ایران نمرة «۱» ۱۹۱۱

**ضمیمهٔ مراسلات و مخابرات
راجع به امور ایران**

(در تعقیب (ایران نمرة ۱ - ۱۹۱۰) س د ۱۵۲۰)

در تاریخ مه ۱۹۱۱ بنا بر امر اعلیحضرت

تقدیم پارلمان گردید

www.adabestanekave.com

مقدمه

بنام داور دانای دانایی بخش

ترقی و تعالی هر قوم بسته به درجه علم و اخلاق آن قوم است. بدبختانه بعلمت عدم علم و وجود اخلاق فاسده دیرگاهی است که مملکت ایران ویران است. یگانه وسیله ای که ما را از ضلالت جهالت و فلاکت بلکه از هلاکت برهاند همانا نشر معارف است و بسط مطبوعات مفیده خاصه تاریخ که تدقیق در صفحاتش فلسفه انحطاط و ارتقاء هر مملکت و ملت را مبرهن و مجسم می سازد.

نظر به این مقدمه هرکس که در تربیت و بیداری ابناء مملکت از راه نشر کتب اخلاقی، تاریخی همت نماید شایان سپاسگزاری فراوان است و بر همه لازم است در تشکر و تشویق این همم عالیه چیزی فروگذار ننماید.

حضرت آقای سردار اسعد علاوه بر مجاهدات صمیمانه که برای حصول آزادی ملت فرموده اند در ترجمه و تألیف و نشر کتب مفیده اهتمامات بلیغه نموده اند، از آن جمله در ترجمه مجلدات کتاب آبی انگلیس همت گمارده و وسایل ترجمه و طبع و نشر آن را با یک جدیت شایان تمجیدی فراهم کرده اند.

برای کمک به این نیت مقدس و انجام فرمایش حضرت سردار این بنده اسدالله میرزا شهاب الدوله ترجمه این ضمیمه را به عهده گرفته و در انجام این خدمت وقت مصروف داشتم و حتی المقدور به عبارات آن حشو و زوایدی برای بسط کلام و یا زینت عبارت نیفزودم و امیدوارم اگر مطبوع طبع خوانندگان محترم شود از نواقص آن غمض عین فرمایند.

دنبالهٔ مخابرات و مکاتبات راجع به امور ایران
متعاقب جلد «ایران نمرهٔ ۱ - ۱۹۱۰»

نمره - ۱

تلگراف سر جرج بارکلی ۱ به سر ادوارد گری ۲ (واصله پنجم دسامبر)
از طهران پنجم دسامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۷]
اقتدار سهام الدوله فرمانفرمای فارس را صولت الدوله به شدت تهدید می نماید.
ایالت بعضی تقاضاها پیشنهاد دولت کرده و مداومت حکومت خود را مشروط به قبولی
آنها نموده و تقاضاها شامل مواد ذیل است:
(۱) به صولت الدوله امر شود که برای حفظ انتظام با ایالت مساعدت نماید و
در صورت تخلف از ریاست ایل خلع گردد.
(۲) به ایالت اختیار داده شود که تمام مالیات یکساله فارس را به مصرف احتیاجات
فوری محلی برساند و بالخاصه قوای قشونی لازمه را تمهیه و تشکیل نمایند.

نمره - ۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ دسامبر)
طهران چهاردهم دسامبر ۱۹۰۹ [۲۲ آذر ۱۲۸۸؛ ۳۰ ذی قعدة ۱۳۲۷]
وزیر امور خارجه و وزیر مالیه متفقاً دیروز دو سفارت را ملاقات کرده و تقاضا
نمودند که دولتین مبلغ يك كرور لیره به عنوان مساعده استقراض که محل احتیاج
فوری است به دولت ایران بدهند.

(۱) سر جرج بارکلی، وزیر مختار انگلیس در تهران. - م.
(۲) سر ادوارد گری، وزیر امور خارجهٔ انگلیس. - م.

ما هر دو اهتمام نمودیم که نظریات دولت ایران را در خصوص وثیقه یا وسیله تأمین استقراض و مصرف وجه و ترتیب کنترل مخارج و مسئله استخدام مستخدمین خارجه کشف بنماییم ولی بر ما معلوم شد که وزراء هنوز نمی‌توانند نظریات خود را مشروح‌تر و دقیق‌تر از آنچه ذیلا درج می‌شود بیان نمایند:

دولت ایران فعلا وثیقه یا وسیله تأمینی نمی‌دهند ولی امید دارند که بعدها استقراض کلی بنمایند و قروض جاریه را تبدیل به قرض ثابتی کنند با مرابحه نازلی. به این وسیله تحمیلات عایدات گمرکی کمتر شده و محل لازم برای تأمین وجه استقراض پیدا خواهد شد. دیگر اینکه اظهار داشتند که این وجه به مصرف اعاده نظم می‌رسد و حصول این مقصود مستلزم تشکیل قشون و ژاندارمری خواهد بود و همچنین به مصرف اصلاحات مملکتی راجع به مالیه خواهد رسید. دیگر اظهار داشتند که وزراء مشغول نوشتن پروگرامی هستند برای تعیین مخارج و ترتیب کنترل و پس از اتمام آن پروگرام را به سفارتین اطلاع خواهند داد.

از ترتیب و نقشه کنترل چیزی بر ما معلوم نشد بجز اینکه به مسیو «بیزو» نفوذ و اختیارات بیش از پیش خواهند داد و مشارالیه را مأمور اجرای نقشه کنترل خواهند نمود.

اگر وجود مستشاران خارجه لازم گردید نظر به اینکه مجلس اساساً استخدام آنها را تصویب نموده است به خدمت خواهند طلبید ولی در خصوص امور مالیه، فعلا می‌خواهند امتحان نمایند که بعضی تغییرات در مأمورین ایرانی و استخدام اشخاص متمدن تا چه درجه برای اجرای اصلاحات لازمه کافی خواهد بود.

اگرچه این بیانات خیلی امیدواری نمی‌دهد ولی من امیدوارم که دولتین از مذاکره این مسئله استقراض امتناع نخواهند فرمود زیرا که اولین دفعه‌ای است که بحسب ظاهر دولت ایران صمیمانه سعی است که بودجه صحیحی تهیه نماید و همچنین طرحی برای کنترل بریزد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پانزدهم دسامبر)

از طهران پانزدهم دسامبر ۱۹۰۹ [۲۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱ ذی‌حجه ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از قنصل دولت انگلیس از شیراز رسیده است:

بویراحمدریها که طایفه‌ای از کمه‌کوئی [= کمه‌گیلویه‌ای] هستند چند روز است

در چهل میلی شیراز راه بوشهر را سد نموده‌اند. تمام وسایل مرابطه مقطوع است.

قوافل در دشت ارجن [= ارژن] جمع شده‌اند و اشرار ایلات تهدید می‌نمایند که

آنها را غارت کنند.

صولت‌الدوله از شرایطی که برای اعاده نظم پیشنهاد کرده یکی این است که

کلیه راههای فارس در تحت اداره او واگذار شود و دیگر اینکه حکومت چندین محال را که مجاور آن راهها هستند مستقلاً به خود او واگذارند بدون مداخله سهام‌اندوله. قبول این شرایط مستلزم استعفای سهام‌الدوله و کارگذار [= کارگزار] و همچنین تجدید انقلاب و اغتشاش در ایلات خمسه خواهد بود و از طرف دیگر رد کردن آنها محتمل است سبب امتداد اغتشاش و بی‌نظمی در راههای اصفهان و بوشهر بشود و به این ترتیب حرکت همکار محترم وزیرمختار روس به بوشهر غیرممکن شود.

نمره - ۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر ا. نیکلسن

از وزارت خارجه انگلیس ۱۶ دسامبر ۱۹۰۹ [۲۴ آذر ۱۲۸۸؛ ۲ ذی‌حجه ۱۳۲۷] درخصوص مساعدت استقراض به دولت ایران که اظهار شده است بشرط اینکه شرایط آن مرضی بوده و وثیقه صحیحی بشود تحصیل کرد دولت اعلیحضرتی انگلیس و حکومت هندوستان حاضرند متفقاً مساعدت بدهند. مبلغ آن مساعدت بالغ به ۲۰۰۰۰۰۰ لیره خواهد بود.

نمره - ۵

مراسله سر ا. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ دسامبر)

(از پترزبورگ به تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۰۹) [۲۱ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷] آقا

با کمال افتخار راپورت می‌دهم که اشعار نامه رسمی ذیل راجع به اوضاع اردبیل امروز صبح در اینجا به طبع رسیده است: بمحض آنکه قسمت اول از قشون روس که برای حفظ قنسولگری و اتباع روس مقیم اردبیل فرستاده شده‌اند وارد شهر اردبیل شدند، سوارهای قراجه‌داغی و شاهسون که قبلاً این شهر را تصرف و غارت کرده بودند، فوراً از آن محل متفرق شده و به اردوهای دوردست خودشان رفتند. از آن به بعد در اردبیل و حوالی آن نظم اعاده شد و فقط در آن راه قافله‌رو بزرگ بین آستارا و شهر تبریز دزدیها تک‌تک مشاهده می‌شود.

نظر به وضع امور و به ملاحظه اینکه حضور استعداد زیادی در اردبیل بیش از این لزوم نخواهد داشت، لهذا دولت امپراطوری روس تصمیم عزم نموده که قسمت عمده قشون مأمور آنجا را احضار نمایند و فقط در محال اردبیل پنج دسته پیاده نظام و یک باطری توپ کوهستانی و سه ستینا قزاق و یک دسته مهندس باقی بگذارد که به کمک این قوه، قنسولگری و اتباع روس را در مقابل هر اتفاقی حفظ نموده و همچنین ذهاب و ایاب قوافل تجارتي را در راه آستارا و تبریز دایر دارند.

از دستجات مذکوره فوق سه دسته پیاده نظام و باطری توپخانه و یک ستینا قزاق و دسته مهندس در اردبیل مقیم خواهند بود و یک اسکادران قزاق و یکدسته از پیاده نظام مشغول حفاظت از راه مذکور بین آستارا و اردبیل بوده و سه اسکادران قزاق و یک دسته از پیاده نظام راه بین اردبیل و سراب را حراست خواهند نمود و راه بین خط مزبور و شهر تبریز حفظش به عهده دستجات اردوی تبریز خواهد بود. اما در خصوص خساراتی که در موقع غارت اردبیل بواسطه عشایر به تبعه روس وارد آمده، مسئولیت آنها به عهده دولت شاهنشاهی ایران گذارده خواهد شد. دولت مزبور مسئول تهیه اردویی است که برای تنبیه عشایر قراچه داغی و شاهسون و برای استرداد خسارتهای مزبوره گسیل نماید. به علاوه، به دولت ایران اخطار شده که اگر استعداد اردوی مأمور اردبیل وظایف و تکالیف راجع به خود را انجام ندادند و توصیه اتباع روس حاصل نگردید در آن وقت دولت روس رأساً اقدامات جبریه در موقعی که مقتضی بدانند نسبت به عشایر مزبوره خواهند نمود. بنده... ا. نیکلسن

www.adabestanekave.com

نمره - ۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی وزارت خارجه انگلیس ۱۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۲۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۳ ذی حجه ۱۳۲۷]

تلگراف مورخه ۱۴ دسامبر شما راجع به مساعدت استقراض به دولت ایران حتماً لازم است که وثیقه داده شود و او اینکه آن وثیقه هر قدر مختصر باشد. اگر دولت روس ۲۰۰۰۰۰ لیره خواهد داد ما نیز حاضریم معادل همان مبلغ تأدیه نماییم ولی فعلاً بیش از این نمی توانیم بدهیم.

نمره - ۷

راپورت سر جرج بارکلی به سرادوارد گری (واصله ۲۰ دسامبر) از طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۹ آبان ۱۲۸۸؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۷]

آقا

چنانچه در تلگراف مورخه ۱۵ شهر جاری با کمال افتخار راپورت دادم پارلمان ایران را در تاریخ مزبور اعلیحضرت پادشاه ایران افتتاح نموده هیئت نمایندگان خارجه رسماً دعوت شده بودند که با لباس رسمی در موقع افتتاح حضور بهم رسانند. من با تمام همکاران خود و صاحب منصبان سفارتخانه ها در آن موقع حاضر بودیم.

اعلیحضرت پادشاه بالائی سکوی مرتفعی ایستاده بودند. نایب السلطنه سمت راست و ولیعهد به سمت چپ و در پشت سر علماء قرار گرفته بودند. از جمله علماء آقای

سید عبدالله مجتهد بودند که در دو سال قبل در جنبش و هیجان ملی دخالت عمده داشته و جدیداً از تبعید مراجعت کرده‌اند.

رسومات افتتاح با کمال نظم به جای آورده شد و خطابه پادشاهی را رئیس-الوزراء سپهدار اعظم قرائت نمود و پس از آن اعلیحضرت تشریف بردند و رسومات خاتمه پذیرفت.

عده وکلای حاضره پارلمان کمی بیش از عده کافی قانونی که ۶۱ نفر است بوده و اسامی معروف‌ترین آنها از قرار ذیل است:

وکلای طهران

صنیع‌الدوله

وثوق‌الدوله

حاج سید نصرالله

ذکاء‌الملک

صدیق حضرت

مؤمن‌الملک

حسینقلی خان نواب

شاهزاده اسدالله میرزا

وحید‌الملک

وکلای آذربایجان

تقی‌زاده

حکیم‌الملک

مستشارالدوله

حاج میرزا رضاخان

وکیل اصفهان

وکیل استرآباد

میرزا ابراهیم خان

مشیرالدوله

وکلای گیلان

دکتر اسمعیل خان

معاضدالسلطنه

وکیل عراق [اراک]

وکیل قزوین

وکیل فارس

ممتازالدوله

فهمیم‌الملک

عمیدالحکماء

برای تحقیق اعتبارنامه‌های نمایندگان رئیس موقتی (مؤمن‌الملک) و دو نایب رئیس در تاریخ ۱۶ انتخاب شدند. نتیجه تحقیق اعتبارنامه‌ها این شد که پنج نفر از منتخبین بنا بر اینکه کاملاً موافق قانون انتخابات انتخاب نشده بودند رد شدند.

در تاریخ ۲۰ رئیس و نواب رئیس دائمی مطابق صورت ذیل انتخاب شدند:

مستشارالدوله

رئیس

حاج سید نصرالله
ممتاز الدوله

نایب رئیس اول
نایب رئیس سوم

تا به حال مجلس مشغول رسومات راجع به امور داخلی خود بوده و بجز قرائت چند تلگراف تبریکیه که از رئیس جمهوری ممالک متحده امریکا و رئیس جمهوری فرانسه و از دول اطیش و بلژیک و همچنین تلگرافات واصله از آستارا راجع به اوضاع اردبیل کاری که نفع عمومی داشته باشد هنوز نکرده‌اند.

نمره - ۸

مراسله سر جرج بارکلی به سرادوار گری (واصله ۲۰ دسامبر) از طهران ۲۹ دسامبر ۱۹۰۹ [۷ دی ۱۲۸۸؛ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۷] با کمال افتخار سواد مشروحه‌ای که از کفیل ژنرال قنسلگری انگلیس در تبریز در خصوص حرکت و طغیان جدید عشایر یاغیه اردبیل رسیده لفا ایفاد می‌دارم. بنده... بارکلی

ملفوفه ۱ در نمره ۸

مشروحه مستر اسمارت کفیل ژنرال قنسلگری تبریز به سر جرج بارکلی از تبریز ۱۴ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۷] راجع به تلگراف مورخه ۱۲ ماه گذشته اینک مفتخرم از اینکه ترجمه دو طغرا تلگرافی که رحیم‌خان و رؤسای شاهسون و قراجه‌داغ به شاه مخلوع و دو نفر از رؤسای بختیاری، امیر مقخم و سردار جنگک مخایره کرده‌اند لفا ارسال دارم. لازم نمی‌دانم مجدداً ممدع شده وقایعی که بالاخره منتهی به تسخیر و غارت اردبیل گردید در اینجا تکرار نمایم. به محض ورود قشون روس در اردبیل یاغیان غفارخان نامی را به سمت حکومت گذاشته و از شهر بیرون رفته در اردوئی که در خارج شهر سابقاً ستار خان تهیه کرده بود، اقامت نمودند. شاهسونها فعلاً مشغول مذاکره با رشیدالملک می‌باشند. احتمال می‌رود از اثر نمایش قوه از طرف ایالت آذربایجان و همچنین بواسطه نزدیک شدن زمستان قرار اصلاحی مابین داده شود. در سراب که صمدخان و باقرخان فعلاً در آنجا هستند از قرار معلوم سه هزار نفر استعداد در تحت فرمان رشیدالملک موجود می‌باشند. یکدسته استعداد در آستارا موجود و دسته دیگر در خلخال راه رشت را سنگربندی کرده‌اند. این دسته اخیر تا به حال تصادف و جنگ مختصری با شاهسونها نموده و از قرار راپورت به طریق معمول به تاریخی، رولوسیونرها بوسیله بمب آنها را شکست داده و عقب نشانده‌اند. اگر مابین اصلاح گردید و یاغیها پی کسار خود رفتند رشیدالملک به سمت حکمرانی به اردبیل خواهد رفت.

دولت ایران اگر مایل است آذربایجان را نجات بدهد می‌باید جد و جهد بزرگ

کافی بنمایند. بعد از سه ماه انتظار فقط دویست نفر قزاقهای ایرانی و دویست نفر سوارهای بی‌مصرف اینانلو خود را به زحمت به تبریز رسانیده‌اند. نتیجه اینکه غیر ممکن است که از فرمانفرمای محلی انتظار داشت که مغشوش‌ترین و منقلب‌ترین ایالت ایران را با چنین استعدادی بتواند اداره نماید.

آذربایجان شاید دارای جنگجوترین اهل ایران است و بعلاوه، بواسطه وجود فداییها که در آنجا بیش از هر نقطه دیگر است امنیت آن ایالت متزلزل و در معرض خطر است.

نظر به این مقتضیات، حکمرانی آذربایجان یحتمل مشکلتر از کسار در ایالت دیگری است.

سختی زمستان آذربایجان ممکن است که عناصر متمرده آنجا را تا یک دو سه‌ماه دیگر ساکت و بی‌صدا نگاه‌دارد ولیکن اگر در این مدت مفتنم استعداد کافی از خارج فرستاده نشود (بشرط اینکه فدایی جزء آن استعداد نباشد) ممکن است در بهار طغیان و اغتشاش عمومی در تمام ایالت بروز نماید...

اسمارت

ملفوفه ۲ در نمره ۸

صورت تلگرافی که رحیم خان و رؤسای دیگر عشایر به‌شاه مخلوع مغایره‌کردند. مدت زمانی است این مشروطه‌خواهان اغتشاش و انقلاب در مملکت احداث کرده قتل و غارتها کرده‌اند. اولاً کدام از محترمین و اعیان و سادات تبریز بودند که آنها نکشته و یا خانه‌هاشان را غارت نکرده‌اند و همچنین در اردبیل بسیاری از اشراف و سادات را کشته و تمام مایملکشان را برده‌اند و در طهران چندین نفر از بزرگان و مجتهدینی که جانشین امامند به قتل رسانیده‌اند. با ارامنه و گرجی‌ها متحد شده علماء و سادات ما را کشته‌اند. اگر این قوم دارای مذهبی بودند تقصیر و خطای علماء و سادات در نظر آنها چه بوده است. تمام خیال آنها خرابی ما و انعدام مذهب اسلام و بردن شرف ماست.

لبندا متجاوز از چهار کرور اهالی و تمام خوانین قراجه‌داغ و بیگ‌زاده‌ها و رؤسای قوجبگلو و کدخدایان طوایف شاهسون بالاتفاق مصمم شده که در چهاردهم رمضان به طرف اردبیل حرکت نماییم و تا جان در بدن داریم هیچ‌کس را نخواهیم گذاشت که اسم مشروطه را ببرد.

از هیچ خدمتی در راه اعلیحضرت همایونی مضایقه نداریم. تمام جان و مال خود را قربان اعلیحضرت خواهیم کرد.

برای اطلاع اعلیحضرت شاهنشاهی عرض شد. امضاء رحیم‌خان و نه نفر از رؤسای شاهسون و قراجه‌داغ.

ملفوقه ۳ در نمره ۸

صورت تلگرافی که رحیم‌خان و سایر رؤسای عشایر به امیر مقخم و سردار جنگ کرده‌اند.

مدتی می‌گذرد که این مشروطه‌خواهان تولید انقلابات کرده قتل و غارتها نمودند. چه کسها از علماء و سادات تبریز و سایر نقاط اند که آنها نکشته‌اند. از ابتداء قصد آنها مشروطه نبوده است بلکه خرابی مذهب اسلام را در نظر داشتند. لهذا تمام خوانین و رؤسای قره‌داغ و بیگزاده‌ها و کدخدایان شاهسون جمع و متفق شده که در روز چهاردهم رمضان به سمت اردبیل حرکت نماییم برای اینکه مشروطه‌خواهان آنجا را تمام کرده از آنجا به طرف طهران عزیمت کنیم. پس از اینکه مستقیماً به آنجا آمدیم تا جان در بدن داریم نخواهیم گذاشت اسم مشروطه در ایران باقی باشد برای اطلاع شما عرض شد.

محل امضاء رحیم‌خان و ۹ نفر رؤسای شاهسون و قره‌داغ

نمره - ۹

راپورت سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ دسامبر)
از طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹ [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۷]
آقا

عقیده و ظن عمومی این بود که در موقع انعقاد مجلس از طرف احرار ملیون به هیئت وزراء حمله سختی برده خواهد شد. اینکه برخلاف انتظار حمله برده نشد یحتمل از اثر نصایح ملایمت‌آمیز آقای ناصرالملک است که از هنگام مراجعت تمام نفوذ کامل خود را به کار برده احرار ملیون را متقاعد نموده که کابینه فعلیه را به هم نزنند.

گمان می‌کنم که در ورود آقای ناصرالملک به ایشان اصرار کرده شد که مقام نیابت سلطنت را قبول نسایند و لکن از قبول آن مسند امتناع نموده شاید به این اطمینان که اگر سمت رسمی نداشته باشد، از ایشان و از مشورت و عقاید بیطرفانه ایشان بهتر می‌توان استفاده نمود.

راه عمده جنوب که راه بوشهر و اصفهان باشد از قرار راپورت مجدداً به کلی مسدود است. قسمت راه بین شیراز و کازرون که ژنرال قنسول بوشهر روس اخیراً در آن نقطه مورد حمله طوایف کهکلوئی [= کهگیلویه] واقع آمده و همچنین قسمت‌های راه که در جنوب اصفهان هستند و طوایف کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] آنجا را به کلی مسدود کرده بودند، مخصوصاً در این ایام مغشوش و ناامن‌اند.

در شیراز مجدداً انتظار اغتشاشات می‌رود. فرمانفرمای آنجا اگرچه شخص کافی است و لکن با استعداد کمی که دارد اشکال بزرگی خواهد داشت که نفوذ و اقتدار خود را حفظ نماید.

کفیل قنسوگری انگلیس اوضاع فارس را منقلب می‌بینند و اصرار می‌کنند بر اینکه از طرف طهران تقویت و امداد کامل با ایالت بشود و چنین می‌گویند که اگر سهام‌الدوله از عهده برنیاید کلیه ایالت فارس دچار اغتشاش و هرج و مرجی خواهد شد که فقط راه علاج و رفع آن مداخله خواهد بود.

از قرار راپورت بعضی اختلافات و جنگها بین ایلات در نزدیکی کرمانشاهان که به حسب مسئولیت آنها با کلهر است حادث شده.

از کرمان خبر می‌رسد که طوایف بلوچ محال نرماشی [= نرماشیر] را تهدید به غارت می‌نمایند.

در زنجان مدتی است اغتشاشات بواسطه يك نفر ملای ارتجاعی بروز کرده بین پیروان ملا و قشون دولت که به طرف اردبیل می‌رفتند جنگی واقع شده، خوشبختانه قشون دولت کاملاً فاتح شده، آخوند و هواخواهانش دستگیر شدند ولی با وجود این فتح و با وجود اینکه اردبیل بواسطه ورود قشون روس از دست یاغیان مستخلص شده، بگمان من اوضاع عمومی مملکتی از چهار هفته قبل قطعاً بدتر است.

بدبختانه مرامنامه وزراء که باید پیشنهاد مجلس نمایند و گمان می‌رود که شامل ماده‌ای راجع به تقاضای استقراضی از دولتین بوده باشد، هنوز به مجلس پیشنهاد نشده است. چیزی که امروز بیش از همه محل احتیاج است تأسیس ژاندارمری کافی و تشکیل اداره مالیه است. این هر دو برای اینکه مالیات درست جمع‌آوری شود یا بطور صحت به مصرف برسد از اصول مطالبند.

نمره - ۱۰

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ دسامبر)
از طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۹ [۸ دی ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۷]
آقا

افتخار دارم از اینکه خلاصه ماهیانه وقایع ایران را که متعلق به چهار هفته گذشته است لفا ارسال دارم...

بنده... بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۰

خلاصه ماهیانه وقایع ایران متعلق به چهار هفته که منتهی به سوم دسامبر
۱۹۰۹ [۱۱ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷] می‌شود:

طهران

جشن مولود اعلیحضرت پادشاه انگلستان برحسب معمول در تاریخ ۹ شهر حال گرفته شد. از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی و وزارت خارجه به توسط نمایندگان

مخصوص پیغامات تمهیت آمیز فرستاده شد. سفیر دولت اعلیحضرتی نمایندگان مزبور را در سفارت پذیرایی نموده است و شب آن روز وزراء دولت و معروفین انگلستان مأمور و مقیم طهران را به شام دعوت و پذیرایی نموده است. رئیس الوزراء سابق مشیرالسلطنه و سایرین که در سفارت کبرای عثمانی متحصن بودند از تحصن خارج شده و هر يك مبلغی به دولت دادند. ظاهراً به این وسیله از هر تعرض و مزاحمتی که ممکن بود در مقابل اقدامات ارتجاع کارانه خود دچار شوند خلاصی حاصل کردند. کلنل پرنس و اوپلسکی که رئیس صاحب منصبان دیویزیون سواره نظام قفقاز بوده، در روز ۲۳ شهر حال وارد طهران شد که به جای کلنل لیاخوف ریاست و فرماندهی بریگاد قزاق ایران را به عهده گیرند.

مجلس ملی

مجلس را در روز ۱۴ نوامبر [۲۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۷] اعلیحضرت شاه رسماً افتتاح فرمود. هیئت مأمورین دیپلوماسی با لباس رسمی در این موقع حضور داشتند. خطابه اعلیحضرت را سپهدار اعظم وزیر جنگ قرائت نمود. سه روز اول مجلس در تحت ریاست موقتی مؤتمن الملک صرف تفتیش و رسیدگی اعتبارنامه های نمایندگان گردید. در تاریخ ۲۰ نوامبر مستشار الدوله به ریاست مجلس و حاج سید نصرالله و ممتاز الدوله به سمت نیابت اول و دویم ریاست انتخاب شدند.

در تاریخ ۲۲ [۳۰ آبان ۱۲۸۸؛ ۸ ذی قعدة ۱۳۲۷] و کلام قسمی را که در قانون اساسی مقرر است یاد کردند و روز بعد عضدالملک را به اکثریت آراء در مقام نیابت سلطنت ابقاء نمودند.

در تاریخ ۲۵ [۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۷] عضدالملک در جلسه مخصوص مجلس در حضور مجتهدین معروف که از جمله آنها سید عبدالله بود که جدیداً از تبعید مراجعت کرده قسم اطاعت قانون اساسی را یاد نمودند. نیابت سلطنت به مجلس اطلاع داد که سپهدار و سردار اسعد از وزارت جنگ و داخله استعفاء نمودند ولیکن من استعفای آنها را نپذیرفتم. عسریض استعفایی که به نایب السلطنه نوشته بودند در مجلس قرائت شد. رئیس مجلس پیشنهاد نمود که مجلس نیز این رأی نایب السلطنه را در خصوص عدم قبولی استعفاء تصدیق نماید. پیشنهاد را مجلس به اتفاق آراء قبول کرد.

در تاریخ ۳۰ نوامبر [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷] کابینه که در این مدت مشغول بعضی تغییرات در اعضاء خود بودند، تشکیل شده وزراء ذیل به توسط سپهدار رئیس الوزراء به مجلس معرفی شدند:

وزیر داخله

سردار اسعد

وزیر امور خارجه	علاء السلطنه
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر مالیه	وثوق الدوله
وزیر معارف	صنیع الدوله
وزیر پست و تلگراف	سردار منصور

وزارت جنگ با خود سپهدار اعظم

پس از آن وثوق الدوله پروگرام وزراء را که شامل مطالب عمده ذیل بود قرائت نمود:

- (۱) اصلاحات در قشون نظمیه و امنیه.
- (۲) استقراض فوری مبلغ ۵۰۰۰۰۰ لیره و تثبیت قروض جاریه فعلی.
- (۳) اصلاحات در مالیه و تعیین مفتشین مالیه و تأسیس خزانه داری مرکزی.
- (۴) استخدام مستشاران خارجه و ترتیب تمام ادارات دولتی بطرز جدید.

تبریز

هیچ اتفاق تازه که جالب اهمیت باشد در مدت چهار هفته گذشته در شهر تبریز واقع نشد ولی فرمانفرمای ایالت ورود و وجود ستارخان را که اوایل ماه نوامبر از سراب به تبریز مراجعت کرده تاحدی مغل امورات ایالتی خود می بیند. نظر به اینکه آژان قنسول روس مقیم سراب راپورت داده بود که یاغیان سراب را تهدید می نمایند، یک صاحب منصب و چهل و دو قزاق روس در تاریخ ۲ نوامبر به آن شهر فرستاده شدند و قرار براین بود که اگر صاحب منصب مزبور دوازده نفر را برای حفظ چند نفر اتباع روسی که در سراب اند کافی داشت، سی نفر دیگر از دسته قزاق را به تبریز عودت دهند.

اردبیل

در اول ماه نوامبر [۹ آبان؛ ۱۷ شوال] ستارخان که در اردبیل دچار و محصور رحیم خان و شاهسون [ها] شده بود با عده کمی از همراهانش فرار کرده و خود را به تبریز رسانیده [است].

نایب قنسول روس در اردبیل به قنسول جنرال تبریز تلگرافاً [= تلگرافی] چنین راپورت داده بود که شهر اردبیل قریب به تسخیر شدن است و استعداد دولتی قورخانه شان تمام شده و از من درخواست نموده اند که قشون روس را وارد شهر نمایم زیرا که مسئولیت امنیت تبعه روس را دیگر نمی توانند تقبل نمایند و بعلاوه خوف دارند که اجماع اهالی وحشتزده حمله به قنسوگری بپزند.

در تاریخ پنجم نوامبر کفیل جنرال قنسوگری انگلیس در تبریز راپورت داده است که اردبیل مسخر و غارت شد. مأمورین محلی و بعضی دیگر در ویس قنسوگری روس متحصن شده اند و یاغیان تسلیم آنها را می خواهند. ویس قنسول روس تقاضای

کمک فوری نموده است. دولت روس تصمیم عزم نموده که بر عده مستحفظین قنصلگری اردبیل خود بیفزاید و مسئله فرستادن عده قشون معتنا به در تحت مذاکره است.

در تاریخ ۱۱ نوامبر [۱۹ آبان؛ ۲۷ شوال] یک فوج سرباز روسی از آستارا به عزم اردبیل حرکت کرده بودند. مأموریت آنها این بوده که راه را دایر نگاه داشته و اموال غارتی را اعم از اینکه حمل قافله بوده و یا در خانه‌ها انبار شده باشد، جلوگیری نمایند. یک رژیمان نیز در آستارا حاضرند که در صورت لزوم حرکت نمایند.

در تاریخ ۱۶ نوامبر مأمورین روسی در تبریز اظهار می‌داشتند که لااقل دو فوج و دو یست قزاق تا آن وقت وارد اردبیل شدند.

در تاریخ ۱۷ نوامبر [۲۵ آبان؛ ۳ ذی‌قعدة] ویس قنصل دولت روس راپورت داد که بعد از دو روز مذاکرات رحیم خان و سوارهایش اردبیل را تخلیه کردند. اجماع اهالی دعای مخصوص برای شکرانه از خلاصی به جای آوردند. در آن دعا کشیشهای ارامنه و ملاحای مسلمان شریک و پیشوا بودند. پس از آن از قشون روس سانی دیده شد. در تاریخ ۲۷ نوامبر [۵ آذر؛ ۱۳ ذی‌قعدة] «مستر اسمارت» راپورت داد که رحیم‌خان به قراچه‌داغ و شاهسون‌ها به قشلاق خود به مغان رفته‌اند.

در تاریخ ۳۰ نوامبر مسیو پاکلوسکی اعلام داشت که مصمم شده‌اند که قسمت عده قشون را از اردبیل احضار نمایند. رشیدالملک در این ضمن به اردبیل رسیده و زمام حکومت را به دست گرفته و قدری استعداد دولتی نیز وارد آنجا شده‌اند.

زنجان

اردویی از قشون دولت به سرکردگی پیرم و سردار بهادر که به طرف اردبیل می‌روند در تاریخ ۱۶ وارد این شهر شدند و چون ملا قربانعلی و دیگران هنوز در مخالفت و یاغیگری بر ضد دولت باقی‌اند به طرف آنها حمله بردند. قدری جنگ واقع شد ولی یاغیها بزودی متفرق شده تا آخر ماه (نوامبر) تمام رؤساء و مؤسسين اغتشاش را دستگیر کردند و نظم اعاده شد. در تاریخ اول دسامبر اردو هنوز [در] زنجان بوده.

رشت

شهر و اطراف ساکت و خالی از اغتشاش است عمیدالسلطان با ۲۵۰ نفر استعداد در تاریخ ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۱۸ شوال] حرکت کرد.

اصفهان

صمصام‌السلطنه هنوز حاکم است و شهر بالنسبه منظم است. راه طهران کماکان خالی از اغتشاش. راه یزد کاملاً منظم بوده اگرچه یک قافله را دزد زده است. موافق راپورت‌هایی که از مجرای ایرانی می‌رسد، راه سلطان‌آباد به کلی ناامن است و راه

شیراز نزدیک یزدخواست مدتی است که در تصرف سیصد نفر از اشرار کمکو [= کهگیلویه] می باشد. چندین قافله و پست را زده اند. قزاقهای ایرانی که مأمور شیراز بوده اند در موقعی که دزدهای مزبور موقتاً غایب شده اند خود را به سلامت از آنجا در بردند. کمپانیهای بیمه از بیمه کردن قوافلی که از راه شیراز می روند امتناع دارند و کرایه حمل و نقل دوبرابر کرایه سال گذشته است.

حکومت اصفهان قبول نکرد که امنیت یک قافله پول را در حوزه مأموریت خود ضمانت نماید. چند روزی در نزدیکی اصفهان بهبودی حاصل شد ولی مقارن ۲۰ نوامبر کمکوئیها [= کهگیلویهئیها] دزدی عظیمی در ارجین که در مجاورت اصفهان در راه شیراز است نمودند. پست را به کلی لخت کرده و قافلهای را که دارای سیصد حیوان بودند تماماً بردند. از قرار راپورت دزدها نقطه ای را گرفته اند که مشرف و مسلط بر راه است و به کلی راه عبور و مرور را بسته اند.

یزد

حاکم جدید حفظ نظم را کرده است و بسیاری از مقصرین را تنبیه نموده و استعداد فرستاده است که با لوطیهای تفتی جنگ نماید. بسیاری از لوطیهای مزبوره فعلاً مخفی اند. روی هم رفته یزد در این ایام دارای آسایش و آرامشی است که مدت های مدید به این خوبی نبوده. راه هم خیلی امن است و لیکن یک پست را در نزدیکی نوگنبد در اوایل این ماه دزد زده است.

عراق

اوضاع عراق [= اراک] بنا بر عقیده ویس قنسول خیلی بد است. یکی از معروفین علماء در ویس قنسولگری متحمن شده و اظهار می دارد که حکومت در خیال کشتن او است ولی بالاخره مشارالیه را متقاعد نمودند که از قنسولگری بیرون بروند. بسیاری از متمولین اهالی شهر به طرف کربلا و سایر نقاط حرکت کرده یا در شرف حرکت اند.

کرمانشاهان

ام الخاقان مادر شاه مخلوع که به سمت کربلا می رفتند، در تاریخ اول نوامبر در قصر شیرین وفات کرده.

مقارن ۸ نوامبر [۱۶ آبان؛ ۲۴ شوال] بین داودخان کلمهر بهمراهی اکثر ایلات کرمانشاهان از طرفی و ایل سنجابی باهمراهی ایلات جاف کردستان و احمدوند چلبی از طرف دیگر جنگی سخت واقع شده حکم دولت به حکومت شد که از داودخان تقویت و همراهی نمایند ولی چون فرقه ای از اهالی کرمانشاهان مخالف با مداومت این جنگ بودند و احتمال می دادند نظر به اینکه ایل جاف سنی هستند بالاخره منتهی به جنگ مذهبی شود، لهذا حکومت قبل از فرستادن استعداد چند روزی استمهال نمود

وقتی که قشون فرستاده شد سنجابی‌ها عقب نشسته زیرا که با قشون حکومت میل نداشتند بجنگند. بنا بر این داودخان چندین ده را غارت کرد و رفت. راهها امن و از قرار راپورت محال اطراف همدان مغشوش و غیرمنظم و عبور و مرور قوافل مطلقاً موقوف است.

کرمان

از اثر اقدامات مجدانه حکومت، شهر و اطراف مدتی است که ساکت و منظم است. موافق تلگراف مورخه ۲ نوامبر واصله از کرمان طوایف بلوچی سرحد مشغول جمع‌آوری استعداد هستند و ظاهراً مقصدشان غارت محال نرماشی [= نرماشیر] است. وزیر مختار انگلیس به دولت ایران اصرار کرده و فشار آورده است که از برای جلوگیری این مسئله اقدامات نمایند، لهذا استعداد از سیستان و کرمان به بمپور فرستاده می‌شود و امید می‌رود که از آنجا بتوانند طوایف بلوچی را جلوگیری نمایند.

شیراز

راهها رو به بدی و ناامنی است. پست بوشهر را در نزدیکی کازرون دزد زده است. دو بسته که متعلق به قنصل انگلیس بوده است نیز برده‌اند. ظاهراً دزدها از طایفه قشقایی بوده‌اند.

پست طهران را در نزدیکی یزدخواست دزد زده است و یک قافله که هفتاد مال داشته است و ارباب‌رستم از همراهان قافله بوده و در نزدیکی خوان‌گرگان دزدها زده بوده‌اند و ارباب خود را تنها به منزل رسانیده است.

در تاریخ ۱۶ وقوع دزدی دیگری شبیه به سرقت فوق در گذار سینه سفید که در نزدیکی دشت ارژن است راپورت داده شده. دزد هر دو فقره کهگیلویی [= کهگیلویی‌ها] بوده‌اند ولی این مسئله دور از عقل و تصور است که بدون رضایت قشقایی این دزدیها را کرده باشند.

«مسیو پاسک» قنصل جنرال روس در تاریخ ۱۵ وارد شد.

منصورالسلطنه عرب مأمور حکومت دشتی و دشتستان گردید. قرار این بود که تا برازجان «مستر بیل» را همراهی نمایند ولی حرکت مشارالیه فعلاً مثل هر چیز دیگری بسته است به تقدیرات و پیش‌آمد کار حکومت.

در تاریخ ۲۴ نوامبر [۲ آذر؛ ۱۰ ذی‌قعدة] قافله بزرگی که همراه مسیو پاسک قنصل جنرال روس و «مسیو کادلوبیکی» نایب قنصل جنرال بوشهر حرکت می‌کردند دچار حملات ایلات گردیده. از قرار مذکور بویراحمدمیهاکه طایفه‌ای از کهگیلویی‌ها هستند بوده‌اند.

از مستحفظین همراه آنها دو نفر قزاق روسی تیر خورده یکی مقتول و دیگری مجروح شده است. دو نفر قزاق ایرانی نیز زخمی ده یا دوازده نفر دیگر از ایرانی

همراهان قافله کشته شده‌اند. این اتفاق در پل «قره‌کچ» که بین خان‌زنیان و دشت ارژن است واقع شده.

بمحض وقوع اتفاق صاحب منصبان روسی مراجعت به خان‌زنیان نموده و فوراً قنسول انگلیس و دکتر ولات حکیم تلگرافخانه با یک عده مستحفظ از شهر به آنجا رفته. این قسمت از راه بوشهر در تمام ماه نوامبر مغشوش بوده و تمام اغتشاش را به قشقایی نسبت می‌دهند ولی معلوم نیست که این حرکات با رضایت و تصویب صولت‌الدوله است یا خیر. قشقاییها اتصالاً به سیم تلگراف دست‌اندازی نموده و همچنین یک نفر تلگرافچی را که در راه بوده مدتی نگاهداشته و کتک زده‌اند. بعلاوه طوایف بویراحمدی در حدود راه فارس و اصفهان مشغول غارت قوافل بوده و در یک مورد پنج نفر را کشته‌اند.

محل بویراحمدیها سابقاً در تحت حکومت بهبهان بود ولی در این اواخر از حکومت فارس مجزا شده و جزو بختیاری شده است. جز یک اردوی معظم قوی هیچ چیز دیگر نمی‌تواند بویراحمدی را منظم نماید.

بین ده بید و شیراز و در خود شهر شیراز ایالت تا کنون توانسته است بقدرت و نفوذ خود انتظام نگاه دارد و لکن اگر از تقویت او از حیث فرستادن استعداد یا دادن پول برای تجهیز استعداد مضایقه شود احتمال نمی‌رود که ایالت بتواند انتظام را نگاه دارد و در هر حال برای تنبیه اشرار ایلات که مرتکب جنایات و شرارتها از قبیل اتفاق صاحب منصبان روسی می‌شوند ایالت قدرت ندارد. سفارت انگلیس جداً به دولت اصرار نموده است که فوراً ایالت فارس را تقویت و امداد نماید.

ایالت فارس بواسطه سخت‌گیری فروش تریاک قدری طرف نفرت مردم شده است. در تاریخ ۲۸ شورش در شیراز واقع شد اگرچه زود شورش برطرف شد ولی «مستر بیل» وضع را سخت می‌بیند زیرا که ایالت اسباب و وسیله اعمال قدرت را ندارد و اگر استعفاء بدهد کسی نیست که مقام را اشغال نماید.

خلیج فارس

بوشهر

در اینجا اهالی برای انجمن ولایتی به عوض اینکه شش نفر انتخاب کنند ۱۲ نفر انتخاب کرده بودند. از طرف وزارت داخله امر صادر شد تجدید انتخاب کرده و شش نفر انتخاب نمایند.

چون انجمن نتوانست از اهل محل یک نفر وکیل برای مجلس ملی طهران انتخاب نماید، لهذا از طرف وزارت داخله از آنها خواسته شد که از بین بیست نفر اشخاص که اسامی‌شان را به آنها تلگراف کرده‌اند و مقیم طهرانند، یکی را به سمت نمایندگی بوشهر انتخاب کنند.

ایالت فارس در تاریخ سلخ اکتبر اعلام داشت که مسئولیت امنیت راه فیروزآباد

را به عهده نمی‌توانند بگیرند لهذا قوافل شروع نمودند که از راه کازرون عبور نمایند. اگر حفظ راه فیروزآباد به عهده قشقایی تفویض شده بود ممکن بود که راه منظم بوده باشد ولی چون این راه به دشمنان قشقایی که هواخواهان قوام باشند سپرده شده بود فوراً قشقاییها شروع کردند به مزاحمت قوافل. علاوه بر این خوانین دالکی برازجان به عنوان باج راه مبلغ گزافی از قوافل بزور و بدون حق می‌گیرند و همچنین چاروادارها را مجبور می‌کنند که علوفه و علیق را دوبرابر قیمت معمول بخرند. مقاطعه‌کارانی که باید برای قایقهای قاچاق‌گیری گمرک ذغال تهیه‌کنند، از عهده تعهدات مقاطعه خود برنیامده بنابراین قایقها بی ذغال و بی‌اثر مانده و اعمال قاچاق‌گیری بکلی معطل و معوق است. قاچاقیها [= قاچاقچی‌ها] موقعی را که به این طریق به دست آمده مفتنم دانسته مشغول قاچاق مال‌التجاره‌اند.

لنگه

راپورت گرفتن قصبه بستک صحیح بود ولیکن تصرف آنجا در تاریخ ۲۹ سپتامبر به هیچ جهت مربوط به سید عبدالحسین لاری نبود. ظاهراً صولت‌الملک نایب‌الحکومه بستک به قدری طرف نفرت و ضدیت اهالی شده بود که خود مردم غلامحسین‌خان و راوی‌ارا که دشمن او بود دعوت کرده که صولت‌الملک را از بستک بیرون نمایند. مشارالیه بدون تصادف با هیچ مقاومت و مخالفت این کار را انجام داد و متصرف بستک گردید ولی در مقابل خدمتی که به اهالی کرده بود نعمت معتنابه از آنها گرفت. راپورتهای اخیر حاکی اینند که مشارالیه از شهر بستک حرکت کرده نایب از خود برای حکومت محل گذارده است.

وصول خبر وقایع بستک وحشت فوق‌العاده‌ای در لنگه حادث نموده و بسیاری از تبعه انگلیس به کشتی نشسته به طرف بمبئی حرکت کردند. قنصل انگلیس مقیم بندر عباس برای اینکه راپورت اوضاع را به دقت بدهد خود به لنگه رفته و معلوم شد که وحشت بیجا و خارج از نسبت بوده. لنگه فعلاً وضع معمولی خود را داراست.

نمره - ۱۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله اول ژانویه)

از طهران اول ژانویه ۱۹۱۰ [۱۱ دی ۱۲۸۸؛ ذی‌حجه ۱۳۲۷]

در تعقیب تلگراف مورخه ۱۵ دسامبر خود اینک با نهایت افتخار راپورت می‌دهم که از کفیل قنصلگری دولت فخیمه در شیراز راپورت زبان‌دار کاملی رسیده است و وضع ناگواری که از اثر تهاجمات و غارت‌های طوایف بویراحمدی در راه بین بوشهر و اصفهان حادث شده مجسم و تشریح می‌نماید.

این طایفه بویراحمدی بواسطهٔ بهره و نتیجه‌ای که از اعمال خود برده و مخصوصاً از اثر حمله‌ای که جدیداً به مسیو پاسک کرده‌اند خسارت زیاد و نفوذ کلی حاصل کرده‌اند و عقیدهٔ مستر بیل آنست که تنبیه آنها جداً لزوم پیدا کرده و این طور اظهار عقیده می‌کند که فقط قوه‌ای که بتواند چنین خدمتی را به عهده گیرند اردویی خواهد بود متشکل از سوار قشقایی و بختیاری متفقاً و این اختلاط بواسطهٔ اختلاف و رقابت بین رؤسای این دو ایل غیر ممکن [است] لهذا موردی که مداخله برای اجانب و رفع احتیاجات فوری ضرورت پیدا می‌کند اگر هنوز نرسیده باشد لزوماً چندان دور نیست و مشارالیه صلاح می‌بیند که تنبیه عشایر مزبوره بوسیلهٔ اعزام اردوی انگلیس صورت گیرد.

اگرچه در این موقع همچو اقدامی را تصویب نمی‌کنم ولی از طرف دیگر خیلی مشکل است که از اظهار عقیدهٔ راسخ خود احتراز کنم و آن عقیده اینکه اگر به دولت ایران فوراً پولی داده نشود بزودی مجبور خواهیم گردید که مسئلهٔ لزوم انحراف از مسلک و پولتیک اساسی انگلیس را که در تلگراف جنابعالی به سر آ. نیکلسن دستور کلی داده شده در تحت ملاحظه بیاوریم.

این غیر ممکن است که در مدت غیر محدودی بتوانیم اوضاع فعلیه را که وخامت آن به اندازه‌ای است که ژنرال قنسول روس از شیراز به بوشهر نمی‌تواند حرکت نماید تحمل بنماییم.

بدیهی است که مسیو بیل گمان نمی‌کند که دولت ایران قدرت و توانایی تنبیه این عشایر قطاع‌الطریق را داشته باشد علی‌ای حال فقط کمک و مساعدت پولی می‌تواند به دولت امید و احتمال توانایی اعاده نظم بدهد و نظر به اینکه استمداد رحیم‌خان در سمت شمال بنا بر راپورت دیروز به کلی مقهور شده است و این مسئله بر نفوذ دولت خواهد افزود لهذا این موقع را برای دادن استقراض به دولت ایران مناسب می‌دانم.

سرمایه سخت اخیراً اشرار ایلات را مجبور نموده که از راه دست بکشند ولی این بهبودی عارضی لزوماً طولی نخواهد کشید.

نمره - ۱۲

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ششم ژانویه)

از سن پترزبورغ ۶ ژانویه ۱۹۱۰ [۱۴ دی ۱۲۸۸؛ ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۲۷]

یادداشتی از دولت روس در خصوص استقراض اظهاریه به من رسیده است. دولت معظم از اینکه شرکت در يك استقراضی داشته باشد اساساً امتناع نمی‌نماید ولی یقین دارند که يك قرض جزئی ولو اینکه ۶۰۰۰۰۰۰ لیره بوده باشد باعث بهبودی با دوامی در اوضاع نشده و بزودی پول تمام خواهد شد. لهذا عقیده‌شان بر این است که این استقراض باید مقدمه و متصل به استقراض معتنا به دیگری

بوده باشد زیرا که فقط قرض کلی می‌تواند وجوه لازمه را برای احداث اصلاحات فوری و همچنین برای تأدیه یا تبدیل و تثبیت قروض جاریه که فعلاً بار وزینی بر دوش‌خزانه ایران هستند تمهیه نمایند.

بعلاوه دولت روس توجه مخصوص ما را معطوف به این مسئله می‌نماید که دولتین روس و انگلیس فقط بوسیله مذاکره استقراض کلی است که خواهند توانست اصرار در تأسیس کنترل مؤثری در مالیه نمایند. کنترل مصارف وجه استقراض ناگزیر و لازم و به عقیده دولت معظم وظایف کنترل باید به‌عهده کمیسیون مالیه مخصوصی واگذار شود.

نمره - ۱۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم ژانویه)

از طهران هشتم ژانویه ۱۹۱۰ [۱۷ دی ۱۲۸۸؛ ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف سر آ. نیکلسن مورخه ۶ ژانویه

البته غیرممکن است که به طور واقعی اظهار نمود که از مساعدت پولی دولت ایران می‌تواند انتظام و اوضاع معمولی مملکت را اعاده نماید ولی احتمال کامیابی استحقاق امتحان را دارد. به عقیده من عجله در دادن قرض بیش از زیادی و کمی مبلغ آن برای اخذ نتیجه اهمیت خواهد داشت. بعلاوه همین قدر که ولایات و ایالات بدانند که دولتین در این موقع بحران به دولت ایران مساعدت و همراهی می‌نمایند بر نفوذ و اقتدار آن دولت در نظرها افزوده خواهد شد.

نمره - ۱۴

راپورت سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰)

از طهران ۲۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۵ دی ۱۲۸۸؛ ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۷]

در تاریخ ۳۰ ماه گذشته پرگرام وزراء که خلاصه آن را لفا می‌فرستم پیشنهاد مجلس گردید و بعد از اینکه در جلسه سری در تحت مذاکره درآمد رسماً تصویب گردید دو ماده‌ای که اقوی احتمال استفاده و اخذ نتیجه بسته به آنها است یکی استقراض ۵۰۰۰۰۰ لیره و دیگری استخدام مستشاران خارجه می‌باشند و این هر دو مسئله قبول گردید بشرط اینکه بعدها شرایط راجع به استقراض و استخدام مستشارها به نظر و تصویب مجلس برسد.

در تاریخ ۱۲ شهر حال وزیر امور خارجه شخصاً و بطور غیررسمی به دو سفارتخانه آمد برای اینکه به ما اطلاع بدهد که تقاضای رسمی استقراض روز بعد خواهد شد و همچنین برای اینکه احتیاج و ضرورت فوری دولت ایران را به پول به من و همکارم تبلیغ و تأکید نمایند.

روز بعد وزیر خارجه مجدداً آمد ولی این مرتبه بهمراهی وزیر مالیه. هر دو وزیر رسماً درخواست استقراض نمودند و اظهار داشتند که پول برای اعاده نظم و برای احداث اصلاحات در ادارات دولتی خاصه در اداره مالیه قطعاً و حتماً لازم است. از موقعی که این درخواست شده تمام امور در طهران در انتظار و معلقاند هیئت وزراء با يك التهایی منتظراند که بدانند دولتین برای استقراض چند شرط خواهند نمود و بعلاوه در هر مورد به من و وزیر مختار روس خاطر نشان می کنند که اگر استعفاء بدهند استعفای آنها منتج قطع مذاکرات خواهد شد.

اما در خصوص انتظام و اوضاع ولایات در مدت چهار هفته گذشته فقط اتفاق مهمی که راپورت داده شده است اینکه جنگی دو سه روز قبل در نزدیکی سراب بین پسر رحیم خان و قسمتی از اردوی دولتی که از طهران اعزام گردیده واقع شد. در این جنگ ریاست و فرماندهی قشون دولتی با پسر سردار اسعد بوده و از قرار مذکور نتیجه جنگ شکست فاحش سوارهای رحیم خان بوده است. وضع راه اصفهان و بوشهر تا چند روز قبل اگر تغییری داشته بدتر از زمانی که راپورت سابق را داده ام بوده است ولی امروز صبح می شنوم چند قافله بین کازرون و شیراز عبور می کنند و طوایف بویراحمدی بواسطه سورت سرما مجبوراً دست از اردوگاههای خود کشیده و رفته اند و راه بین اصفهان و یزدخواست دیگر بواسطه کمپلوهما [کمپلویه ئی ها] مسدود نیست.

اخبارات اخیره مشعراند بر اینکه بهبودی در راه بین همدان و کرمانشاهان عارض شده است.

ملفوفه در نمره ۱۴ -

خلاصه پراگرام یا مرامنامه وزراء که در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹ [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷] پیشنهاد مجلس ملی شده است. پس از مقدمه طولانی راجع به لزوم فوری اصلاحات مملکتی، در پراگرام مرقوم شده که مقصود عمده ای که دولت باید در نظر داشته باشد حفظ انتظام است در مملکت و برای حصول این مقصود مواد ذیل لازم است:

اولاً ترتیب قشون منظمی که در نقاط مختلفه مملکت دایماً ساخلو و متوقف باشند.

ثانیاً تشکیل امنیه مرتبی برای حفظ امنیت طرق تجارتی.

ثالثاً تأسیس پلیس یا نظمیه کافی کاری در تمام شهرها.

اصلاحات قشونی مذاقه کامل لازم خواهد داشت لایحه آن پس از دقت و اتمام به نظر پارلمان خواهد رسید ولی برای اینکه فعلاً حفظ انتظام کرده شود دولت پیشنهاد می کند که موقتاً از سربازهای موجوده ۲۵ الی ۳۰۰۰۰ نفر در تحت سلاح حاضر نماید. بودجه این قوانین برای تصویب به نظر پارلمان رسانیده خواهد شد. برای اداره دولت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ تومان فوراً لازم است. نظر به اینکه تحصیل

این وجه در این موقع در خود مملکت مشکل است، لهذا پیشنهاد می‌شود که قرض جدیدی کرده شود. نظر به اهمیت حفظ انتظام در تمام مملکت دولت چنین پیشنهاد می‌کند که بدون فوت وقت به مذاکرات راجع به استقراض فوق‌الذکر شروع شود و پس از آن داخل مذاکرات استقراض بزرگتری برای تثبیت قروض مختلفه که با مرابحه سنگین به دولت داده شده بشوند و مرابحه‌ای که دولت برای استقراض بزرگ خواهد داد طبعاً نازلتر از مرابحه‌ای است که فعلاً برای قروض جاریه مختلفه می‌دهند و به این وسیله محل جدیدی برای تأدیه منفعت و قسط استهلاك این استقراض بزرگ تحصیل خواهد شد و نتیجه مذاکرات راجع به استقراض در موقع تقدیم پارلمان خواهد گردید.

اهم اصلاحاتی که دولت باید به عهده گیرد تأسیس اداره کنترل است که عایدی و مخارج دولت را کنترل نمایند. این مسئله بقدر حفظ انتظام اهمیت خواهد داشت. در ضمن اصلاحات مالیه لازم خواهد بود که دیوان محاسباتی نیز تأسیس شود و ترتیب مخصوصی برای جمع‌آوری تمام مالیات در مرکز و همچنین تأسیس اداره خزانه‌داری اتخاذ گردد.

بودجه هر اداره باید معین شده و پیشنهاد پارلمان گردد ولی قبل از اینکه این بودجه‌ها تمام شده و به موقع اجراء گذارده شود بودجه سابق معمول به و جاری خواهد بود. بعلاوه لازم است که ادارات مختلفه دولت را به طرح جدید تأسیس نمایند و برای حصول این مقصود و به جهت اطمینان از اجرای اصلاحات پیشنهاد می‌شود که مستشارهای خارجه استخدام شوند. ادارات عدلیه و معارف مخصوصاً محتاج اصلاح اند چنانچه اصلاح عدلیه شروع گردیده است. قوانین جدیدی تقدیم پارلمان خواهد گردید ولی تا هنگامی که آن قوانین وضع و تصویب نشده قواعد فعلیه کماکان معمول خواهد بود و وزیر عدلیه اختیارات خواهد داشت که اجزای خود را انتخاب نماید.

لایحه اصلاح معارف نیز تقدیم مجلس خواهد شد و شامل ماده‌ای راجع بتصویب مخارج برای اعزام محصلین به اروپا خواهد بود.

نمره - ۱۵

سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰)
از طهران مورخه ۲۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۵ دی ۱۲۸۸؛ ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۷]
آقا

با کمال افتخار سواد مشروحه قنسول ژنرال مشهد را که تفصیل قتل فتوایی دو نفر اسماعیلی را در نیشابور که بحکم و اشاره بعضی علماء بوده راپورت

می‌دهد لفاً تقدیم می‌دارم:

به دولت ایران خاطر نشان نمودم که نظری به اینکه آقاخان (سلطان محمد شاه)

در تبعیت انگلیس دارای مقامی است و کلیه اسماعیلیها در انگلستان مورد توجه مخصوص هستند این اتفاق اثر اسفانگیزی در آن مملکت حادث خواهد کرد و همچنین در لزوم تنبیه مرتکبین و انفعال حکام نیشابور و دررود تأکیدات بلیغه نمودم.

بحسب ظاهر حاکم نیشابور در این مورد بی کفایتی و ضعف نفس بروز داده که تقصیر محسوب می شود و حکومت دررود قطعاً در این قتل شرکت داشته است. سردار اسعد که این اظهارات به او شده بود خود ظاهراً تصدیق داشت که مجازات این متعصبین نادان که مرتکب و مسؤل قتل اند برای سرمشق بودن در نظر دیگران اهمیت کامل دارد و وعده دادند که دو نفر مقصری را که برای تحقیق و استنطاق به طهران آورده شده اند مجازات نمایند و لیکن اظهار می داشت که دولت فعلاً آن قدر قوی و قادر نیست که دو نفر ملا را بدون اجازه علمای نجف به قتل برسانند چنانچه از علمای نجف این اجازه خواسته شده است. بالاخره وعده داد که دو حاکم مزبور را خلع و منفصل نماید و اگر علمای نجف اجازه ندادند که دو نفر مرتکب به قصاص برسند یکی از آنها را که باقر دررودی باشد و شخصاً مرتکب قتل بوده به حبس ابد محکوم نمایند و معین الغریب محرم و مشوق این قصد را به کربلای معلا تبعید نمایند.

ملفوفه در نمره ۱۵

راپورت سایکس قنصل ژنرال انگلیس در مشهد

به سر جرج بارکلی مورخه ۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۱۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ذی قعدة

[۱۳۲۷

آقا

با کمال افتخار راپورت می دهم که محمدخان منشی ژنرال قنصلگری و شخص معروف و معتمد دیگری که برای تحقیق واقعه اسمعیلیها و صدمات و لطامات سختی که بر آنها وارد شده بود رفته بودند مراجعت کرده اطلاعاتی که سابقاً از مجاری مختلفه به من رسیده بود کاملاً تصدیق می نمایند و اطلاعات جدیده ضمیمه می نمایند. نتیجه اینکه وقایعی که راپورت می دهم کاملاً صحیح است.

(۲) گمان نمی کنم که لازم باشد برای اطلاع شما عرض کنم که اسمعیلیها پیروان حضرت والا آقاخان که پیشوای مسلمانان هند است، می باشند.

در ایران اسمعیلیها پریشان حال و مفلوک و به دستجات کوچک تقسیم و در اطراف متفرقند و مخصوصاً در اطراف محال قاینات و نیشابور متوطن می باشند. در مدت ارتباط طولانی من با ایران هیچ چنین اتفاقی واقع نشده بود و بدتر از همه این بیچارگان در تحت حکومت ملی جدید که خود را متمدن می خوانند دچار این صدمات و بدبختی شده و به قتل رسانیده شده اند و پس از کشن يك شناعت و

فضاحتی با آنها رفتار نموده‌اند که نمی‌توان ذکر کرد. حقیقتاً نعشهای آنها تا چند روز قبل دفن نشده مانده بود.

(۳) محرك و باعث تمام این قضیه ظاهراً ملا عبدالکریم نامی بوده که سابقاً اسمعیلی بوده و لکن به عقیده تشیع برگشته است.

مشارالیه به معین‌الغرباء که یکی از مجتهدین کوچک مشهد و هواخواه جدی مشروطه بوده ارائه طریق نموده که املاک معینی سپرده به ملا سلیمان نامی است و عشر آنها برای حضرت والا آقاخان فرستاده می‌شود بهتر این است که این شخص را بکشیم و املاک را تصرف کرده تقسیم نماییم.

در ماه اکتبر گذشته معین‌الغرباء ملا سلیمان و سایر اسمعیلیها را در مشهد احضار در آنجا در خصوص عقاید آنها تحقیقات به عمل آورده‌اند. بعد از این اقدام معین‌الغرباء به دیزآباد که پنج فرسخی نیشابور است رفته در آنجا حاجی محمدباقر درودی و محمد حسن‌خان حاکم دررود به مشارالیه ملحق شدند. این آقایان اسمعیلیها را شکنجه کرده و مسجد آنها را خراب کرده‌اند و پس از آن از آنجا به کاظم‌آباد رفته و بهمان طرق عمل نموده‌اند.

پس از شنیدن این خبر کاغذ خیلی سختی از آقازاده که از مجتهدین بسزرگ است گرفته و فرستادم به دست معین‌الغرباء رسانیدند من خود نیز مکتوب خیلی سختی به خازن‌الملک حاکم نیشابور نگاشتم. حاکم نیشابور جواب داد که این قضیه را ختم و اصلاح نموده است.

(۴) ملا سلیمان و ملا حسینعلی و سه نفر دیگر از رؤسای اسمعیلی را به دررود بردند و در آنجا محکوم به قتلشان نمودند و همچنین حاجی‌آخوند را که ملای معروفی است و فعلاً در ژنرال‌قنسولگری سلامت است غیباً محکوم به قتل کردند. پس از آن حاکم دررود و حاجی‌محمد درودی به نیشابور رفته و مسئله را به حاکم و شیخ‌آقای مجتهد آنجا اطلاع دادند. شیخ‌آقا از مداخله در این امر جداً امتناع نموده و بعد از خازن‌الملک تقاضا نمودند که میرغضب خود را برای کشتن آنها بفرستند ولی مشارالیه از این کار امتناع کرد.

رئیس نظمیة جدید که در آن موقع اهمیت موقع و واقعه را به حکومت خاطر نشان می‌نمود نیز این مسئله را تصدیق می‌نماید.

حقیقتاً درباره چنین حکومتی که می‌داند چه اتفاق می‌افتد و اقدام نمی‌کند چه خیال می‌توان کرد. بهر حال اتفاقات وخیم‌تر افتاده که ذیلاً عرض می‌کنم:

(۵) حاجی محمدباقر درودی معین‌الغرباء را واداشت که اجازه کشتن آنها را بدهد و پس از تحصیل اجازه حاجی محمدباقر درودی آنها را به قتل رساند و بدنهای آنها را معرض فضاحت و شناعتها نمود که حیا و نزاکت ذکر آنها را اجازه نمی‌دهد.

اسماعیلیها عریضه به حکومت نیشابور نوشته و اجازه خواسته‌اند نعش آنها

را بردارند ولی حکومت مبلغ گزافی برای این کار مطالبه نمود و آنها هم ندادند. بقیه اسماعیلیها که در قید آنها بوده و نتوانستند فرارکنند برای استخلاص خود مجبوراً مبلغ گزافی به حکومت نیشابور دادند.

(۶) پس از آن بواسطه احکامات سختی که از طهران رسید و همچنین از اثر ورود من در نیشابور حاج محمدباقر مذکور دستگیر و به طهران فرستاده شد و لیکن معین‌الغرباء هنوز در مشهد است و من مشغول اهتمام و فشارم که او نیز به دنبال رفیق خود برود. و این مسئله را نیز اطلاع می‌دهم که آقازاده صحت مطالب فوق را تصدیق نمودند.

(۷) عقیده من آن است که علاوه بر ارتباط اسماعیلیها با ما تقاضای حسن انسانیت این است که مجازات سختی نسبت به این دو ملا و حکام نیشابور و دررود بشود که سرمشق دیگران بوده باشد و در این مسئله یقین دارم که جنابعالی جد و اصرار خواهید نمود.

همکار محترم من ژنرال قنسول روس و مأمورین ایرانی در این عقیده با من متفقاند که این اتفاقات سوء واقع نمی‌شد اگر نیشابور در تحت حکومت خراسان می‌بود و در این خصوص متفقاً به طهران اظهار نمودیم که چاره و علاجی برای این وضع بنمایند.

شاید چندان لازم نباشد که برای ارائه اشکال عظیمی که در گذراندن يك عملی یا حکومت نیشابور داریم مسئله بانک را یادآور شوم و امیدوارم که هم این شخص از حکومت منفصل گردد و هم نیشابور مجدداً در تحت ایالت خراسان مقرر شود.

تفکیک آنجا از حکومت خراسان بعنوان موقت و از برای میل و آسایش شخص شاهزاده نیرالدوله بوده است. تا هنگامی که این بی‌ترتیبی مرتفع نشود امید و انتظار بهبودی و اصلاح امور این محل را نمی‌شود داشت.

موافق اطلاعاتی که اخیراً تحصیل کرده‌ام بی‌نظمی و شرارت هنوز در آن نواحی فرمان‌روا است و اسماعیلیهای بیچاره را معرض صدمات و غارت می‌نمایند ولی اگر تلگرافی خطاب به حکومت نیشابور بشود که فعلاً آنها را حفظ نماید تا اینکه از طرف سفارت اقدامات قطعی در این خصوص بشود امیدوارم که از این وضع ناگوار جلوگیری شود.

بنده... ماجر [ماژور] سایکس

نمره - ۱۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰)

از طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۹ [۹ دی ۱۲۸۸؛ ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه ماهیانه وقایع ایران را که متعلق به چهار هفته گذشته

است لفاً تقدیم می دارم.

بنده بارکلی

ملفوقه در نمره ۱۶

خلاصه ماهیانه وقایع ایران متعلق به چهار هفته که منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۰۹ [۹ دی ۱۲۸۸؛ ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۷] می شود:

مجلس

مرامنامه وزراء که در تاریخ ۳۰ نوامبر تقدیم مجلس شد در جلسه هفتم دسامبر ۱۹۱۰ [۱۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۷] درموقعی که تمام وزراء حضور داشتند رسماً تصویب شد. مجلس دوق را مفتشم شمرده خاطر نشان هیئت وزراء نمودند که در کلیه امور مالیه باید شور با مجلس بنمایند.

پس از مباحثه طولانی در تاریخ ۲۵ شهبه حال [۳ دی ۱۲۸۸؛ ۱۱ ذی حجه ۱۳۲۷] مجلس با اکثریت آراء تصویب نمودند که دولت برای ضرب چهارصد هزار لیره نقره در ضرابخانه دولتی قرارداد و مقاوله ای ببندند.

در مدت ماه گذشته مجلس ملی اکثر مشغول ترتیب نظامات داخلی بوده و در تاریخ ۲۸ لایحه آن دفعه ثالث قرائت شد.

اشکالات مالیه ای - دولت ایران در تاریخ ۱۳ به سفارتین انگلیس و روس برای استقراض پانصد هزار لیره اظهار نمود و هنوز منتظر جواب است.

تبریز

تبریز بدون اغتشاش بوده است ولی در نزدیکی سراب بین دسته ای از ایلات در تحت فرمان پسر رحیم خان و اردوی دولتی در تحت فرمان پسر سردار اسعد و یغرم جنگی واقع شد و در آن جنگ از قرار راپورت قشون دولت فاتح بوده است.

اصفهان

شهر ساکت و خالی از اغتشاش بوده دسته کهکلوئی [کهگیلویه ئی] که در خلاصه ماهیانه سابق راپورت داده بودم که نقاط مشرف به راه ارچینی را تصرف نموده بودند در تاریخ ۳ دسامبر رفته اند و لیکن در تاریخ ۷ مراجعت نموده و یک قسمت آنها در اطراف قمشه مشغول غارت بوده اند.

قنصلهای انگلیس و روس مکرر به صمصام السلطنه حکمران در این خصوص اظهارات رسمی نموده اند جواب این بوده است که استعداد فرستاده خواهد شد ولی به دلایل صحیحه گمان نمی رود که استعدادی فرستاده شود لیکن امید است وقتی که برف بیفتد ایلات خود بروند.

در تاریخ ۱۲ دسامبر دزدها در ارچینی بودند.

در راه طهران يك فرسخی شمال قم طوایف شاهسون پست را زده و تمام بسته‌های امانت قیمتی را برده‌اند. در راه سلطان‌آباد نیز سرقتی راپورت داده شده است ولی راه اهواز بنا بر راپورت امن است.

صمصام‌السلطنه در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۰ [۱ دی ۱۲۸۸؛ ۹ ذی حجه ۱۳۲۷] از اصفهان حرکت کرده و در تاریخ ۲۹ وارد طهران شده است. در مدت غیبتش منتظم‌الدوله کفیل حکمرانی خواهد بود.

یزد

شهر کماکان منظم است. راه کرمان نیز امن ولی در راه نائین هنوز دزدیها واقع می‌شود.

زردشتیها با اینکه کمک و تقویت زیادی از طرف حکومت نمی‌برند مع‌هذا از عزیمت احتمالی او در ماه مارس در خوف و هراسند و می‌ترسند که پس از رفتن ایشان مجدداً گرفتار صدمات و تعدیات بشوند.

بازار کسب و تجارت از کساد و انحطاط که مدت طولانی دچار بوده بتدریج رو به بهبودی است. مالیات بیش از میزان سابق جمع‌آوری شده و متوالیاً به شهر می‌آورند.

سلطان آباد

خبری شهرت دارد که در تاریخ ۶ نوامبر یکی از ساکنین متنفذ را ونج (در محلات) موسوم به آقاصدر را با يك پسر دوازده ساله‌اش به حکم حکومت به قتل رسانیده هر دو آنها را مهدی‌خان نام قفقازی تیر زده و کشته و کریم‌خان که دشمن قدیمی علی‌خان مقتول عامل زیگلر بوده با شش نفر از سوارهای مخصوص حکومت نیز همراه او بوده‌اند.

کرمانشاه

وضع شهر ابدأ خوب و رضایت بخش نیست. سرقت کثیرالوقوع است. ظمیرالدوله در اواخر نوامبر از حکومت استعفاء داد و نظام‌السلطنه به جای ایشان مأمور گردیده ولی هنوز زمام حکمرانی را در دست نگرفته است. راه بغداد بالنسبه امن بوده ولی در تمام طرق و شوارع دیگر دزدیهای متعدد راپورت داده شده. سیم تلگراف مکرر مقطوع چندین میل از خط منهدم شده و طوایف غارتگر خونریز کاکاوند خیلی از مصالح خط تلگراف را برده‌اند و لیکن اطلاعات اخیره مشعر بر آنند که راههای کرمانشاه حالیه خالی از دزدانند.

همدان

حکومت همدان مقارن ۱۵ دسامبر منفصل گردید. بنا بر راپورت ولایت آن وقت

خالی از اغتشاش بوده.

کرمان

شهر و اطراف منظم بوده است. ایالت استعدادی ترتیب داده که حفظ نظم را می نمایند و بعلاوه مقداری از مال التجاره قافله را که دزد زده بود پس گرفتند. بلوچیهها که گمان می رفت به قصد غارت محال نرماشی [نرماشیر] اند حرکتی ننمودند.

شیراز

ایالت به اشکال زیادی اقتدار خویش را حفظ می کند در صورتی که دولت الدوله در حالت ستیزه و مخالفت است. دولت به فرمانفرمائی ایالت اختیار و اجازه داده است که قسمتی از مالیات محل را برای حفظ نظم نگاه دارد. طرق و شوارع نیز کماکان مغشوش اند.

خلیج فارس

بوشهر

برای انتخابات انجمن ولایتی بعضی اشکالات پیش آمده نتیجه بطور مطلوب حاصل نشد لهذا انتخاب تا مراجعت دریابییگی از بندر لنگه به عهده تعویق افتاد. دریابییگی در تاریخ ۱۸ دسامبر مراجعت نمود.

محمرة

در آخر ماه اکتبر در نزدیکی شوشتر انقلاب و اغتشاش زیادی بوده حکومت ظاهراً بی قوه و قدرت است نه استعدادی دارد و نه نمایندگی مهمی از خوانین بختیاری همراه او است. در موقعی که قنصل انگلیس او را ملاقات کرده همراهی خود را با مصالح انگلیس اظهار نموده. حاکم مشارالیه هنوز باید با شیخ خزعل قرارداد مرضی برای ترتیب امور بگذارند.

نمره - ۱۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه)

از طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰ [۲۶ دی ۱۲۸۸؛ ۵ محرم ۱۳۲۸]

تلگراف ذیل از بوشهر رسیده:

مسئله راه مجدداً خیلی جالب اهمیت و سخت شده. راه بین کازرون و شیراز از هنگام اتفاق قنصلهای روس قهراً مسدود است.

در تاریخ ۹ دسامبر صولت الدوله برای اینکه با طهران مخابرات نماید به کازرون آمده لکن مذاکرات راجع به تأمین راه و تنبیه و مجازات اشخاصی که به قنصلها حمله بردند نتیجه نبخشید. پس از آن صولت الدوله راه جدیدی را به شیراز

که از کوهستان عبور می‌کند و از تنگستان و جره می‌گذرد برای تردد قوافل پیشنهاد نمود.

انجمن تجارته و تجار معروف ایرانی جداً مخالف این راه هستند زیرا که غیر معروف و در میان کوهستان و محل سکناى طوایف قشقایی بوده و دور از خط تلگراف است و هیچ کاروانسرا ندارد و مالالتجاره از آب در معرض خطر و ضایع شدن است. بعلاوه صولت‌الدوله هیچ اقتدار و تسلط مستقیمی در تنگستان ندارد. در مدت ماه گذشته قشقاییها قوافل را از کازرون به شیراز برگرداندند ولی تجار بوشهر متجاوز از هزار بار به کازرون فرستاده‌اند. کمپانی زینگر [زیگلر؟] دویست بار در آنجا دارند که نه از راه رسمی و نه از طرق دیگر می‌توانند حمل کنند و در این باب استمداد می‌نمایند.

اخیراً صولت‌الدوله به رئیس تنگستان حکم کرده که هر چیزی که از راه رسمی حمل و نقل می‌شود حتی اگر به برازجان هم می‌روند توقیف نماید. در بین خوانین راههای مختلفه نزدیک بوشهر مناقشه قریب‌الوقوع است.

نمره - ۱۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه)
از طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰ [۲۶ دی ۱۲۸۸؛ ۵ محرم ۱۳۲۸]
تلگراف ذیل مورخه ۱۶ ژانویه از بوشهر از قنسول ژنرال دولت فخمیه
رسیده است.

راجع به تلگراف بلافصل ما قبل خودم:

صولت‌الدوله از اینکه دولت تقاضاهای او را برای تقبل حفظ راه رسمی قبول نکرده، رنجیده و آزرده شده و راه جره را مفتوح کرده است فقط برای اینکه اختیار راه بوشهر و شیراز را در دست داشته باشد.

این راه ابدأ مناسب نیست و تعیینش در نظر همه کس نامطبوع است. کمپانیهای بیمه احتمال مالالتجاره‌هایی را که در این راه حمل می‌شود بیمه نخواهند کرد و حکومت فارس به قنسولهای مقیم آنجا رسماً اعلام نموده که این راه رسماً شناخته نخواهد شد. لهذا نتیجه آنکه صاحبان مالالتجاره باید متحمل تمام خسارات وارده بشوند.

مسافرت اروپاییان در این موقع بین بوشهر و شیراز خارج از احتیاط است و نرسیدن مالالتجاره به شیراز شکست سختی به تجارت وارد آورده و در این نکث عمده خسارت به کمپانیهای انگلیس وارد است. مستدعیم که این وضع را به دولت اعلیحضرتی انگلستان عرضه دارید که در مسئله حفظ راه اقدام عاجلی فرمایند.

نمره - ۱۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژانویه)
 از طهران ۲۳ ژانویه ۱۹۱۰ [۳ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۸]
 در تعقیب تلگرافات ۱۷ ژانویه خودم اطلاع می‌دهم نظر به اینکه ایالت فارس
 از تعیین آنکه دولت ایران مسئولیت کدام راه را متقبل است امتناع می‌نماید و به
 این جهت محتمل است که اگر خسارتی وارد شود دولت قبول ننماید لهذا عبور و مرور
 قوافل بین بوشهر و شیراز معطل است.
 به دولت ایران آگاهی دادم که مداومت این اوضاع ناگوار را نمی‌توان اجازه
 داد و اکیداً اصرار نمودم که باید اعلان نمایند در کدامیک از راهها رسماً مسئولیت
 را به عهده می‌گیرند.

نمره - ۲۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱ فوریه)
 از طهران ۱ فوریه ۱۹۱۰ [۱۲ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۸]
 مفتخراً راپورت می‌دهم که مراسله رسمی از وزیر داخله رسیده است مبنی بر
 اینکه راه چره که کاملاً امن است بعضی راه معمولی شیراز و بوشهر برای تردد
 قوافل مقرر گردیده.
 نظر به اینکه دولت ایران به این طریق مسئولیت این راه را متعهد شده است
 در مقابل هر سرقت و خسارتی که به مالالتجاره در موقع عبور از این راه وارد
 می‌شود آن دولت را مسئول قرار خواهم داد.

نمره - ۲۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ فوریه)
 از طهران ۵ فوریه ۱۹۱۰ [۱۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۸]
 اردوی دولتی رحیم‌خان را شکست داده و مشارالیه به سرحد روسیه فرار
 نموده. شاهشونما ظاهراً رحیم‌خان را در موقع ابتلاء و سختی تنها می‌گذارند چنانچه
 چندین نفر از رؤسای آنها مشغول مذاکرات می‌باشند که تسلیم شوند. به پترزبورغ
 اطلاع داده شد.

نمره - ۲۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ فوریه)
 از طهران ۶ فوریه ۱۹۱۰ [۱۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۸]
 تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنسوگری مقیم تبریز رسیده:
 «از قراری که ایالت به من اطلاع می‌دهد رحیم‌خان با ۱۰۰ خانوار از سرحد
 روس عبور نموده است. جانشین قفقاز دستور داده است که رحیم‌خان و پیروانش
 خلع اسلحه شده و به داخله قفقاز برده شوند».

نمره - ۲۳

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۷ فوریه)
 از پترزبورگ ۷ فوریه ۱۹۱۰ [۱۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۶ محرم ۱۳۲۸]
 از قراری که از مسیو ایزولسکی (وزیر خارجه روس) می‌شنوم مراسله‌ای از
 شارژ دافر ایران به ایشان رسیده و از طرف دولت ایران استدعای تسلیم رحیم‌خان
 را نموده است. یقین است که دولت روس قبول و اجابت این تقاضا را نخواهد کرد
 ولی افسوس است که چنین خواهشی اصلاً از طرف دولت ایران شده است.
 دولت روس رحیم‌خان را به طرف شمال قفقاز فرستاده و پس از آنکه تحقیقات
 در اعمال و افعال گذشته او به عمل آمد آن وقت دولت درباره تکلیف عاقبت او
 تصمیمی خواهد گرفت.
 نظر به اینکه ممکن است فرازیمهای دیگر از سرحد عبور نموده و به خاک روسیه
 بروند، اقدامات در حدود برای جلوگیری آنها به عمل آمده است.

نمره - ۲۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ فوریه)
 از طهران ۱۱ فوریه ۱۹۱۰ [۲۲ بهمن ۱۲۸۸؛ ۳۰ محرم ۱۳۲۸]
 سپهدار از ریاست وزراء استعفاء داده است. محتمل است که نایب‌السلطنه
 استعفای او را قبول نکند.

نمره - ۲۵

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ فوریه)
 از طهران ۱۲ فوریه ۱۹۱۰ [۲۳ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱ صفر ۱۳۲۸]
 در تعقیب تلگراف ۱۱ فوریه افتخار دارم که راپورت بدهم که سپهدار
 رئیس‌الوزراء استعفای خود را پس گرفته است.

نمره - ۲۶

مراسله سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه انگلیس ۱۲ فوریه ۱۹۱۰ [۲۳ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۳۲۸ اصفه] آقا.

مراسله مورخه ۲۷ دسامبر شما راجع به قتل فتوایی دو نفر اسماعیلی به اشاره بعضی علماء در نیشابور واصل گردید اقدام شما را در تأکید و اصرار به جهت تنبیه مقصرین و عزل حکام دررود و نیشابور تصویب و تصدیق می‌نمایم. بعلاوه خواهش می‌کنم که بزودی موقع به دست آورده و به این موضوع مراجعه نمایید و به دولت ایران اظهار کنید که دولت امپراطوری انگلستان به تنبیه سخت و مجازات مرتکبین این اعمال اهمیت عظیم می‌دهد.

نمره - ۲۷

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ فوریه)
از پترزبورگ ۱۷ فوریه ۱۹۱۰ [۲۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۶ صفر ۱۳۲۸]
دولت روس حاضر است که در استقراض فوری ۶۰۰۰۰۰۰ لیره به دولت ایران شرکت نماید و با دولت اعلیحضرتی انگلیس در این رأی متفق‌اند که برای این استقراض شرایط خیلی وزین سختی نباید پیشنهاد نمود و پراگرمی که دو وزیر مختار مقیم طهران تشکیل بدهند می‌تواند مبنای مذاکرات با دولت ایران بوده باشد.

نمره - ۲۸

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ فوریه)
از طهران ۱۹ فوریه ۱۹۱۰ [۲۸ دی ۱۲۸۸؛ ۷ محرم ۱۳۲۸] آقا

با کمال افتخار سواد راپورت راجعه به اوضاع فعلیه ایالت فارس را که از کفیل قنصلگری دولت فخمه رسیده لفاً ایفاد می‌دارم. تلگراف مورخه اول ماه که به شما کرده بودم در موضوع همین راپورت است.

بنده ... بارکلی

ملفوفه ۱ در نمره ۲۸

مراسله مستر بیل کفیل قنصلگری شیراز به سر جرج بارکلی
از شیراز ۱۵ دسامبر ۱۹۰۹ [۲۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱ ذی حجه ۱۳۲۷] آقا

اشرار غارتگر بویراحمدی بیش از يك ماه است که در نقاط مختلفه بین

دشت ارژن که ده فرسنگ زیر شیراز است و گذار ارچین که در مجاورت اصفهان است مشغول عملیات و دزدیهای عمده‌ای هستند.

هر يك از سرقت‌های بزرگی که در این مدت کرده‌اند یقیناً مرتکبین در هر مورد عده‌شان بیش از صد نفر بوده بعلاوه در مواقعی که کسی در مقابل آنها ایستادگی و مقاومت نموده عزم جزم و رشادت کاملی برای حصول مقصود بروز داده‌اند و مخصوصاً زدن قافله‌ای که جمعی از قزاق‌های روسی و ایرانی و همچنین ژنرال قنسول روس همراه آنها بوده بحدی اسباب جسارت آنها شده که تا هنگامی که تنبیه کامل نشوند گمان نمی‌کنم که قشون و استعداد ایرانی ولو اینکه عده آنها به ششصد هم برسد بتواند کاری از پیش برده و آنها را مقهور نمایند.

گمان نمی‌کنم هیچ قومی از ساکنین فارس مگر قشقایی ولو آنکه عده آنها خیلی بیشتر باشد با يك دسته قوی بویراحمدی ابدأ طرف شوند. حتی قشقایی با آنها مقابل نخواهد شد مگر آنکه جمعیت و استعدادشان خیلی بیش از طرف باشد. اگرچه دلایل قطعی در دست ندارم ولی شخصاً شك دارم از اینکه بویراحمدیها مقدم به این قبیل دزدیهای مهم پی‌درپی شده باشند بدون آنکه يك قسم اطمینان از صولت‌الدوله داشته باشند که این اعمال به خلاف میل او نخواهد بود ولی این مسئله را عرض کنم که در این ولایت اشرار را ترغیب و حکم به دزدی کردن خیلی سهل‌تر از جلوگیری آنها است. چنانچه قوامیها اغلب با ایلات خمسه به همین مسئله برخوردند و در این مورد خیلی محل شك و تردید است که خود صولت‌الدوله بتواند بویراحمدی را در تحت نظم بیاورد لیکن محتمل است که اگر آنها را تهدید به انتقام و تنبیه نماید فعلاً از شرارت منصرف شوند تا موقع مناسب دیگری بدستشان آید. (۲) راجع به این مسئله حکایتی را که یکی از دزد زدگان نقل کرده و در تاریخ هشتم دسامبر در روزنامه شیراز درج شده برای اطلاع شما لفاً می‌فرستم. این قصه نمونه صحیحی از اتفاقات جدیدی که در راه تجارتنی بین اصفهان و بوشهر واقع شده است می‌باشد.

ملاحظه خواهید کرد که در این مورد با آنکه از قرار راپورت يك نفر قشقایی بوده ابدأ ذکری از اینکه قشقایی شرکتی داشته نشده و دزدها بویراحمدی بوده‌اند. بگمان من در صحت این اظهار که فقط موافقت و همدستی بین قشقایی و بختیاری برای مطیع کردن این ایل خونخوار غارتگر لازم و مفید است شکی نیست زیرا که اگر از دو طرف به آنها تهاجم نشود بی‌نهایت مشکل خواهد بود که يك طایفه کوه‌نشین به این رشادت و فعالیت را بتوان در تنگنا انداخت و در اینکه موافقت مذکور صورت بگیرد بحسب ظاهر امید خیلی کمی است چرا که ایل قشقایی عموماً و ایلخانی آنها خصوصاً نسبت به بختیاری بواسطه مقام عالی که در وقایع جدید ایران حاصل کرده‌اند بی‌اندازه حسادت می‌ورزند زیرا که آنها را نسبت به خودشان از حیث عده و شجاعت و جرئت پست‌تر می‌دانند نتیجه آنکه اگر این دو

ایل برای انجام خدمتی متفقاً اقدام نمایند ممکن است بین خود آنها موافقت تبدیل به مخالفت و مخالفت گردد و مخاطرات عظیمه تولید شود.

(۳) این مسئله را نیز اشاره می‌کنم که اوضاع فعلیه که در چند سال گذشته به علت انهدام تدریجی نفوذ و اقتدار دولت مرکزی طبعاً نتیجه و حادث شده به مقام و موقعی رسیده است که عطف توجه جدی دولتی [دولتی] که در ایران مصالح و منافع دارند ضرورت پیدا کرده است.

تردد تجارت معمولی مشروع بلکه حرکت يك نفر مسافر با وجود کفایت و فعالیت قابل تحسین که فرمانفرمای فعلی ایالت بروز می‌دهد مستلزم همه قسم مخاطرات است. الحق وضع طوری است که معامله و رفتار ما با اولیاء امور ایران با ترتیبات و رسوماتی که بین دول متمدنه معمول و ملحوظ است حقیقتاً اسباب استهزاء است.

برای مجسم کردن احسناسات فعلیه مردم در فارس صحبتی را که يك نفر چاروادار که تازه از بوشهر وارد شده به عامل کمپانی زیگلر کرده است برای شما نقل می‌کنم.

عامل مزبور از چاروادار تقاضا نموده است که به قنسولخانه آمده وضع راه را برای من شرح دهد. جواب چنین داده، نزد قنسولها رفتن چه فایده و نتیجه در صورتی که خودشان را نمی‌توانند حفظ نمایند.

الحق این اظهار کاملاً صحیح و بجاست زیرا که قنسول ژنرال روس فعلاً نظر به حمله‌ای که جدیداً به او شده نمی‌تواند به مرکز مأموریت خود به بوشهر برود و هیچ امیدی هم نیست که به این زودی بتواند مسافرت نماید.

البته همین ملاحظاتی درباره حرکت و معاودت دستة قشون انگلیس که در شیراز است صدق خواهد گردید [کرد].

اگر چه بواسطه همراه داشتن توپ ماکزیم چندان شکی ندارم که می‌توانند خود را به لب دریا برسانند مع هذا می‌ترسم از اینکه حرکتی را توصیه و تصویب نمایم که انجام آن بدون مخاطرات سخت و تلفات نفوس ممکن نخواهد شد.

این اوضاع امور اهمیت کمتر می‌داشت اگر بقدر ذره‌ای امید و علامت بهبودی در جهات اساسی آن ملاحظه می‌شد ولی متأسفانه چنانچه ذکر کردم فعلاً هیچ علامتی معلوم و مشهود نیست بلکه بالعکس مقتضیاتی که باعث ایجاد وقایع اسفانگیز چند هفته گذشته شده، ظاهراً فقط چیزی است که در ایران ثابت و با دوام به نظر می‌آید.

(۴) مسلك و پلتیک دولت فخریه انگلیس در صفحه ۴۳ کتاب آبی ایران «نمره ۲» (۱۹۰۹) جازماً و قطعاً [قطعاً] تفصیل داده شده است و آن این است که:

«به عقیده و گمان دولت انگلستان بهترین طریقه‌ای که دولتین انگلیس و روس در مورد ایران اتخاذ نمایند همان است که از امور داخلی این مملکت مطلقاً کناره

جسته و بگذارند به انقلابات و اغتشاشات موجوده مداومت نمایند تا هنگامی که یکی از عناصر مملکت قوی‌تر از سایرین شده و بکلی غالب و فاتح آید. در ظرف این مدت دولت انگلیس حاضر خواهد بود خطراتی را که به منافع تجارتي انگلیس وارد می‌شود، تحمل نماید.»

در مقابل این اعلان مسلك با يك گستاخی عرض عقیده می‌کنم: موردی که احتراز از مداخله برای رفع احتیاجات فوری کفایت نمی‌کند اگر هنوز نرسیده یقیناً و بلاتردید خواهد رسید. مبنای این عقیده خود را فقط این قضیه مسلم می‌دانم که در اوضاع بهبودی دائمی عارض نخواهد شد و حتماً روی به بدتری است و هیچ علامتی که دلالت بنماید براینکه چنانچه پیش‌بینی شده دوره انقلاب که در آن زمان دولت انگلیس متحمل مخاطرات و خسارات منافع تجارتي است سپری شده و منتهی به غالبیت [غلبه] و فیروزی يك عنصر معینی از مملکت گردد مشهود نیست.

سرتاسر تاریخ ایران ازمنه و اعصاری است که کم و بیش انقلاب و اغتشاش پیوسته در مملکت ساری و جاری بوده و اغلب آنها چندین عشیره طول کشیده‌اند. (۵) طرز اقدامی را که من مبادرت کرده پیشنهاد می‌کنم و به نظر کمتر مانع دارد از قرار تفصیل ذیل است:

دولت اعلیحضرتی انگلستان به اوئیام امور مرکزی ایران رسماً اطلاع داده و اخطار نمایند که نظر به دلایل ذیل:

اولاً مخاطرات فوق‌العاده وارده به تبعه خارجه که مشاغل و وظایف قانونی‌شان آنها را مجبور به مسافرت و حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌نماید.

مثلاً فقط در سنه ۱۹۰۹ «مستر جنتلمن» را در مارس و «مستر لمیتین» و «مستر اسمیت» را در آوریل و «مستر لیتلتن» را در ژان [ژوئن] و «مستر رایت» و «مستر جیمز» را در اوت و قنسول ژنرال دولت روس را در نوامبر دزد زده و تمام این دزدیها مطلق بدون مجازات مانده‌اند.

ثانیاً تزیاید دائمی دعاوی خسارتهایی که به مال‌التجاره در راه تجارتي وارد شده است؛ چنانچه در سنه ۱۹۰۹ در فارس تنها میزان آن از ۶۰۶۰۹۳ تومان الی ۵۷۰۶۳۸ بوده است.

ثالثاً تکثیر و زیاد شدن حساب خسارتي که عمداً به خطوط تلگراف اداره هند و اروپا وارد می‌شود چنانچه امساله تا به حال میزان آن به قریب دو برابر سال گذشته بالغ شده است و مهمتر از آن مخاطرات جانی و مالی است که دائماً بر غلامان تلگراف مأمور سیم وارد می‌شود و بالاخره استنکاف و استیحاظ طبیعی غلامان از بیرون رفتن برای تعمیر، معمور بودن خط تلگراف و جریان مخابرات را تهدید می‌نماید.

موقع آن رسیده است که دولت ایران زور و کفایت خود را در استقرار و حفظ نظم بروز دهد و یا آنکه رضایت دهد بوسیله سپاه انگلیس مقصرین عمده تنبیه و مجازات شوند و اگر در این صورت شرکت و همدستی سپاه ایران نیز لازم

و صلاح باشد آن قوه هم به کار زده خواهد شد. در صورتی که دولت ایران خود به تنهایی اهتمام کرد و نتیجه حاصل نشد آن وقت اردوی انگلیس مخصوص تنبیه و سرکوبی اشرار پیاده خواهد شد.

(۶) به عقیده من طایفه‌ای که باید اختصاصاً مورد تنبیه واقع شوند همانا طایفه بویراحمدی کهکلویه [کهگیلویه] است زیرا که در سال اخیر قتل و غارتگری آنها به شیاع رسیده و در این راه شهرت زیادی حاصل کرده‌اند و تنبیه شایانی از آنها یقیناً در طوایف غارتگر دیگر اثرات متناسبی حاصل خواهد کرد.

به خانه و محل اقامت آنها که در حدود بهبهان است بالنسبه از طرف دریا می‌توان دست یافت. یک اردویی می‌تواند از این خاک پیش برود و برجهای آنها را خراب نماید و احشام آنها را یا اسیر و یا تلف نماید بدون اینکه این اعمال مستلزم مخالفت و ضدیت طایفه دیگری گردد ولی مع هذا چنانچه ذکر شد در تنگنا گرفتن آنها امر مشکلی است و محتمل است که به هیئت اجماع به خاک بختیاری یا قشقایی رفته و یا آنکه به سمت یزد حرکت کنند. عقب کردن آنها را در هر یک از جهات فوق من پیشنهاد و توصیه نمی‌کنم ولی اقامت طولانی آنها در هر یک از این نقاط یا با هر یک از این ایلات یقیناً باعث مزاحمت کلی آن مردم با ایلات خواهد شد به طوری که خود آنها حاضر خواهند گردید به ما خدمتی بکنند که نسبت به یکدیگر نخواهند کرد به این معنی که واردین را مجبور می‌کنند که تسلیم و تفویض شوند و مخصوصاً اگر از طرف دولت انگلیس هم تهدید تهاجمی بشود.

(۷) البته ایران مملکتی است دائماً متغیر به تغییرات لایتناهی و ممکن است که در ظرف چند هفته بهبودی غیر مترقبه در امور حادث شود ولی تکلیف خود می‌دانم که تأکید کنم که علایم این چنین تغییری ابدأ مشهود نیست و به این جهت آنچه را که به عقیده خود یگانه وسیله ممکن برای دایر داشتن تجارت و تردد انگلیسها بدون اینکه در معرض مخاطرات کلی مالی و جانی باشند می‌دانستم، پیشنهاد نمودم.

در خاتمه خاطر نشان می‌کنم که اگر لزوم اقدامات عملی را تصدیق کردید هرچه زودتر اقدام بشود بهتر خواهد بود زیرا که در هر دفعه دزدها دزدی می‌کنند، هم اسلحه‌شان بهتر شده هم جسورتر و هم ترتیبشان منظم‌تر می‌شود.

بنده ... بیل

ملفوفه ۲ در نمره ۲۸

بیانات چاروادار

من با یک قافله‌ای که شامل ۶۲ قاطر و ۱۰ الاغ بوده از بوشهر به شیراز آمدم. در احمدی از هر کمندی ۱۲ قران گرفتند (کمندی ۲۵ قاطر)، و جو را از قرار ۲ قران پنج شاهی به ما فروختند در صورتی که قیمت معمولی محل سی شاهی بوده است. در برازجان بشرح ایضاً در دالکی بهمچنین. باضافه گاه به قیمت ۲ قران فروخته شد در صورتی که قیمت محل ۱۰ شاهی بوده است و در سر پل دالکی از کمندی

چهار قران گرفته شد. در کنار تخته و کمارج هیچ تحمیل بی حسابی نشد ملاخورشید خوب رفتار می‌کند. در کازرون بشرح ایضاً هیچ تحمیلات غیر مشروعی در این سمت کازرون کرده نشد.

در ساعت يك به ظهر به برج سینه سفید رسیدیم. ۱۴ تفنگچی از دشت ارژن و دو نفر سرباز و يك سوار فتح‌الملک همراه ما بودند.

دزدها از برج تا چشمه مروارید برآمدگیهای بالای راه را گرفته بودند. تیر اول در جلو قافله خالی شد يك سوار کشته شد. تفنگچیها که نیز در جلو بودند فرار کرده و دزدها از اطراف سمت عقب قافله را احاطه کردند، تمام قافله را لخت کرده بردند و ما را کتک زده و لخت کردند و یکی از چاروادارهای همراه مرا با خود بردند و او را تا نقطه‌ای که سه فرسنگ از پل زنیان فاصله دارد و موسوم است به «هفت پر مخودیان» برده و در آنجا دستهای او را بسته و گذارده‌اند. مقصودشان از بردن او کمک در راندن و حفظ قاطرها بوده است.

خسارت شخص من ۴۵ قاطر و ۲ الاغ و ۱۰۰ تومان یا تمام لباسهایم بوده. در واقع آنچه داشتم بردند.

دزدهای مذکور فرقه‌ای از بویراحمدی که موسوم به طهمورثی هستند می‌باشند اینها دشمنهای کریم‌خانند و تا هنگامی که او زنده بود در خاک بختیاری سکنا داشتند. از سال گذشته به سمت مشرق حرکت کرده‌اند. رئیس آنها کینخا محمدعلی است و جدیداً با معاونت ملا قباد در خاک بختیاری غارتی کرده ۱۲۰۰۰ گوسفند برده‌اند.

بارهای ما بیشتر مال‌التجاره قماش بوده بویراحمدیها آنها را اکثر در اردکان و بهبهان به فروش می‌رسانند. فقط طریقی که می‌توان با آنها معامله و مقابله کرد این است که بختیاری و صوئت‌الدوله با یکدیگر متفقاً اقدام نمایند. طایفه بویراحمدی می‌توانند ۱۰۰۰۰ نفر تهیه نمایند که عده کمی از آنها سواره‌اند. هر يك از آنها مقابل با يك قشقای و ۱۰۰ نفر از ساکنین دیگر فارس می‌باشند. ۴ قلعه محکم دارند که بدون توپ گرفتن آنها ممکن نیست. يك نفر قشقای نیز جزء دزدها دیده شد.

رؤسای سارقین معروف بویراحمدی فعلاً «کاظم» «ملا علی پناه»، «کینخا حاصل» می‌باشند. کلیه آنها دارای تفنگهای مارتین زیادی و يك عده تفنگهای مکنز می‌باشند. از هنگام فوت کریم‌خان از زراعت و رعیتی بکلی دست کشیده‌اند و هیچ خانه و علاقه‌ای ندارند.

از کریم‌خان ۲ پسر ۶ ساله و ۷ ساله مانده است. رئیس فعلی این طایفه شکرالله است که برادر مادری کریم‌خان است. عقیده عمومی آن است که مشارالیه بوقتاً شاغل این مقام است تا آنکه پسرهای کریم‌خان بزرگ شوند.

سؤال از چاروادار - آیا ممکن است که آنها را بوسیله ن فروختن متاع به آنها تأدیب و تنبیه کرد؟

جواب‌پاروآدار - خیر چونکه نه شاهی است و نه حاکمی. ما مجبوریم که بادزدها راه برزیم زیرا اگر کسی هر چه می‌خواهند به آنها ندهد بالاخره او را خواهند کشت.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۹

مراسله سر جرج بازکلی به سر ادوارد گری (مورخه ۱۴ فوریه)
از طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰ [۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۴ محرم ۱۳۲۸]
آقا

در مدت چهار هفته اخیر در طهران اتفاقی که مخصوصاً قابل ذکر باشد نبوده. دولت با يك التمهایی هنوز منتظر جواب ما راجع به امر استقرار می‌باشد و بحسب ظاهر چنین معلوم است که هیئت وزراء فعلیه ابقاء یا انفصال‌شان از کار، منوط به این جواب ما می‌باشد.

اینکه کار دولت بدون داشتن سرمایه تا حدی فعلاً پیش می‌رود بیشتر بواسطه نفوذ و حیثیت دو سردار فاتح انقلاب سپهدار و سردار اسعد که فعلاً رئیس‌الوزراء و وزیر داخله هستند می‌باشد و الا اگر کابینه بدون عضویت آنها تشکیل شود معلوم نیست که تا چه اندازه بتوانند همین اقتداری را که فعلاً دولت مرکزی داراست حفظ نمایند.

در سمت شمال در ظرف چهار هفته گذشته تمام توجه مصروف و مرکوز عملیات جنگی اردوی دولت که در تحت فرمان سردار بهادر پسر سردار اسعد و پیرم است، با رحیم‌خان بوده.

در این عملیات اردوی دولت کلیتاً فاتح و منصور بوده و رحیم‌خان ظاهراً دچار ابتلای سختی شده زیرا که از قنسول ژنرالهای روس و عثمانی مقیم تبریز درخواست حمایت و تأمین نموده و از قرار مذکور قنسولها از پناه دادن به مشارالیه امتناع نموده‌اند ولی دولت ایران در اضطراب و التمهاب است که مبادا آن راهزن یاغی شکست خورده خود را به یکی از قنسولخانه‌های خارجی برساند و او را به عنوان تحصن بپذیرند.

اوضاع فارس موافق راپورت جالب توجهی که از قنسول شیراز رسیده و لفاً ارسال می‌دارم تفویض به اراده صولت‌الدوله است.

فعلاً تردد بین شیراز و بوشهر در عهده تعطیل است. دولت نتوانست که ایلیخانی مشارالیه را متقاعد نماید که حفظ راه بزرگ رسمی را به عهده گیرد. علی‌هذا راه مزبور به کلی مسدود است و اگرچه صولت‌الدوله قراری با تجار داده است که امنیت راه جره را ضمانت نماید ولی نظر به اینکه ایالت تاکنون این قرارداد و تعهد را امضاء نکرده تردد تجارت تا به حال از این راه نشده و تجار می‌ترسند که دولت مسئولیت هیچ خسارتی را به عهده نگیرد.

در هر حال اوضاع ممکن است تا مدتی بواسطه وصول خبر تعیین حکومت جدید بهتر شود.

علت انفصال سهام الدوله را شکایتهایی که از شیراز در خصوص سختی وضع حکومتش شده می‌دانند. در اینکه سبب انفصال حقیقتاً این بوده یا نبوده نمی‌دانم ولی بواسطه خصومت و اختلافی که بین مشارالیه و صولت الدوله تولید شده و دولت نمی‌توانست در این موقع از او تقویت نماید حکمرانی مشارالیه غیر مطلوب واقع گردید.

نظر به دلایلی که مشهود است می‌توان امید داشت که صولت الدوله با شاهزاده فرمانفرما ایالت جدید برخلاف آنچه با حکومت سابق عمل می‌کرد موافقت و معاضدت در حفظ انتظام بنماید. جز در آذربایجان و فارس در سایر ولایات هیچ اتفاقی که جالب ذکر و توجه مخصوصی باشد نیفتاده است.

بنده ... بارکلی

نمره - ۳۰

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ فوریه)

از طهران ۲۸ ژانویه ۱۹۱۰ [۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۶ محرم ۱۳۲۸]

آقا

افتخار دارم از اینکه خلاصه ماهیانه وقایع ایران را که متعلق به چهار هفته گذشته است لفا ارسال دارم.

بنده ... بارکلی

تبریز

اردوی دولت در تحت فرمان سردار بهادر و پیرم در آخر ماه دسامبر پسر رحیم‌خان و قراجه‌داغیها را شکست فاحشی داده و مسقط‌الرأس رحیم‌خان یعنی اهر را تصرف نمودند. پس از چند روز به قراجه‌داغیها مدد رسیده مجدداً مراجعت و به اهر حمله بردند. قشون دولت برای جلوگیری از شهر خارج شده و با آنها در میدان تصادف و تقابل نموده و پس از کشتن سی نفر، آنها را عقب نشانندند. از طرف قشون دولت يك نفر مقتول و چهار نفر مجروح شدند. قراجه‌داغیها به سمت شمال منبهم گردیدند.

در تاریخ دهم ژانویه دفعه دیگر قراجه‌داغیها به عده زیادی در تحت حکم پسر رحیم‌خان از اطراف هجوم به اهر آوردند این دفعه نیز شکست خورده و با تلفات زیاد فرار نمودند. قشون دولت تا بیست میل آنها را تعاقب نمودند. از طرف دولت در این جنگ و مقاتله ده نفر مقتول شدند. اسب سردار بهادر تیر خورده و

مختصر زخمی نیز به يك پای خودش وارد شد. این شکست آخر ظاهراً قوای رحیم‌خان را کاملاً در هم شکست چنانچه مشارالیه برای حصول تأمین و حمایت قنسولگریهای روس و عثمانی اظهار نموده است.

مشهد

مشهد در سکونت و آرامی باقی بوده و محتمل است که شاهزاده رکن‌الدوله در حکومت باقی باشند.

اصفهان

در تاریخ ۵ ژانویه سردار اشجع بختیاری به قنسول ژنرالهای دولتین انگلیس و روس رسماً اطلاع داد که ایشان به سمت حکمرانی اصفهان معین شده‌اند. مستر گراهم ژنرال قنسول انگلیس در تاریخ ۷ مشارالیه را ملاقات نموده و مذاکرات نمودند.

سردار اشجع در خصوص راه بختیاری اظهار داشته که من و تمام خوانین مصمم می‌باشیم که برای مفتوح و دایر داشتن آن راه در مدت زمستان آنچه ممکن است بنماییم و بعلاوه در بهار شروع بساختن کاروانسرای صحیح و مناسب در آن خط خواهیم کرد. دیگر اظهار داشت که ما در ابتدای امر اهمیت این راه را درک نکرده بودیم فقط امتحانی کردیم حال که بر ما اهمیت آن مکشوف و محقق گردیده اهتمامات و اقدامات بزرگتری خواهیم کرد.

مستر گراهم برای ایشان تشریح کرد که ساختن بناهای مستحکم نظر به اینکه مصارف تعمیر کمتر لازم دارد برای خود آنها صرفه خواهد داشت. سردار اشجع اظهار نهایت خصوصیت و دوستی را با «لفتنت رنکینگ» و «مستر رتلا» نموده است.

وضع اصفهان کماکان بی‌صدا و منظم بوده است ولی در تاریخ ۲ ژانویه اجماع زیادی هیجان و نمایش بر ضد انجمن ولایتی نمودند. قسمتی از این هیجان مربوط به نظارت تحدید فروش تریاک و قسمتی دیگر برعلیه [= علیه] جمع‌آوری بعضی مالیاتهای عقب‌مانده بوده است. نتیجه این اقدامات این شد که اجرای قواعد و نظامات تحدید تا حدی اغماض شود و جمع‌آوری مالیات مزبور به کلی متروک گردد. کپکلوها [کپگیلویه‌ای‌ها] بمحض اینکه سرما شدت کرد از راهها دست کشیده [اند] و به این جهت راهها نسبتاً امن‌تر از چندی قبل شده است. قوافل از تمام طرق تردد می‌گردد و از تاریخ ۲۱ دسامبر دیگر دزدی راپورت داده نشده است.

یزد

شهر و اطراف منظم بوده ولی تجارت هنوز رواجی ندارد. تجار تاآنکه اطمینان از دوام و استحکام اساس جدید حاصل نمایند از شروع بکار و تجارت خائف‌اند

لهذا چند قافله فقط حرکت می‌کند ولی راهها بالنسبه امن است. انجمن ولایتی نظر به مخالفت علماء از قبول عضویت يك نفر نماینده زردشتی (چنانچه در قانون مقرر است) امتناع می‌نمایند. زردشتیها ضمناً قوای خود را صرف مشاجرات بین خودشان می‌نمایند.

سلطان آباد

از راپورت‌های واصله چنین مستفاد می‌شود که حکومت بروچرد امیر سیف‌الدین میرزا کاملاً بی‌قدرت است و هیچ پولی که به قشون و استعدادش بدهد ندارد. لهذا عده زیادی از آنها فرار کرده‌اند. علماء با مشارالیه مخالفت دارند و هر حکم و اعلانی که صادر می‌نماید فوراً می‌کنند و پاره می‌کنند. نایب‌الحکومه‌هایی که از طرف او به بلوکات و محال جزء فرستاده شده‌اند تماماً مجبور به مراجعت به بروچرد شده‌اند.

بیم آن می‌رود که اگر حاکمی با استعداد و پول فرستاده نشود طوایف لرستان در بهار این حدود را خراب و غارت نمایند.

کرمانشاه

بواسطه انتظار ورود نظام‌السلطنه حاکم جدید، شهر ساکت بوده و سرقتی واقع نمی‌شود. حکومت در تاریخ ۵ ژانویه وارد و حاکم سابق در دویم به طرف طهران عزیمت نمود. قوافل از تمام طرق حرکت می‌کنند.

کرمان

شهر و اطراف ساکت است. بین دولت و ایالت تبادل نظریات و مذاکرات شده که بهترین وسیله برای جلوگیری بلوچها چه خواهد بود. ظاهراً ایالت تقاضای وجه نموده و استعدادی تهیه کرده که در مقابل آنها بفرستند. دولت در جواب گفته است که اگر مشارالیه نمی‌تواند طوایف بلوچ را مطیع نموده و مالیات را از آنها بگیرد دولت شخص دیگری را در نظر دارد که این اقدامات را به عهده می‌گیرد. قوام‌الملک در جواب خواهش نموده است که استعفای او را قبل از نوروز قبول نمایند زیرا که دولت ظاهراً نمی‌داند که بلوچستان فعلاً بکلی مستقل و در تحت فرمان سردار سعیدخان و بهرام‌خان و چیمهند تقسیم به سه قسمت شده است. مع وجود ذالك اگر دولت در دادن پول مساعدت نماید حاضر است نهایت اهتمام را کرده به یم و ریکان پرود و به يك ترتیبی طوایف بلوچ را مطیع نماید.

شیراز

مسئله‌ای که در این ماه جالب اهمیت بوده همانا مسدود بودن راه بوشهر برای تردد قوافل بوده است که از اثر اختلافات بین صولت‌الدوله و ایالت حادث

شده است.

صوالت الدوله تکالیف شاقه از قبیل دادن بعضی حکومتها برای تعهد حفظ راه معمولی کازرون نموده نظر به اینکه تکالیف و تقاضای او قبول نگردیده راه جره را برای حرکت قوافل پیشنهاد نمود و امنیت آن را ضمانت کرد ولی چون ایالت از تصویب این قرار و تعهد امتناع نمود تجار از بکسار بردن این راه استنکاف نمودند.

ضمناً سهام الدوله از حکومت منفصل و شاهزاده فرمانفرما به سمت فرمانفرمایی فارس معین شده‌اند و لیکن هنوز در طهران هستند.

نمره - ۳۱

مراسله سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ فوریه)
از پترزبورغ ۱۳ فوریه ۱۹۱۰ [۲۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲ صفر ۱۳۲۸]
آقا

اشعارنامه نیم‌رسمی ذیل دیروز در روزنامه‌جات به طبع رسیده:
بعضی روزنامه‌جات خارجه انتشار داده‌اند که دولت روس رحیم‌خان را که به خاک روس فراراً آمده است حمایت کرده و از او مورد پذیرایی مخصوص نموده است. این انتشارات جعلیات است.

رحیم‌خان که بر ضدیت دولت فعلی ایران اقدامات عملی نموده است در نظر دولت روس مقصر پلتيکی محسوب و بنا بر عادت و معمول بین الملل مقصر پلتيکی را نمی‌توان تسلیم نمود ولی برای اینکه روابط بین مشارالیه و رفقا و ایلش در ایران به کلی مقطوع باشد و از هر قسم دسیسه و اسباب‌چینی او جلوگیری شود به او حکم شده است که از حدود دور شده و در «اکونری نودر» اقامت گزینند.
بنده... آ نیکلسن

نمره - ۳۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ فوریه)
از طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۵ صفر ۱۳۲۸]
با کمال افتخار راپورت می‌دهم که امروز وزیر مختار روس و من یادداشت متحدالمالی به دولت ایران فرستاده و شرایطی را که دولتین برای دادن ۴۰۰،۰۰۰ لیره استقراض پیشنهاد می‌نمایند اطلاع دادیم.

نمره - ۳۳

رایپورت سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ فوریه)

از پترزبورگ ۱۹ فوریه ۱۹۱۰ [۳۰ بهمن ۱۲۸۸؛ ۸ صفر ۱۳۲۸]

مسیو ایزولسکی اظهار داشت که اخبار واصله از تبریز چندان خوب نیست. من خواهش نمودم که مفاد آن اخبار را برای من شرح دهید و جناب مشارالیه در جواب گفتند که ستارخان و باقرخان تولید اغتشاش می نمایند و با اینکه ایالت مایل و جاهد است که حدود آنها را محدود نگاه دارد ولی چون پول و استعدادی ندارد انجام این امر از حیز قدرت او بیرون است. بعلاوه راه بین اردبیل و تبریز معرض تهاجم و تاخت و تاز شاهسون و قطاع الطریق دیگر گردیده و قوافل از برای مرارده امنیت و اطمینان ندارند. اهالی در وحشت و اضطرابند و از نزدیک بودن قشون روس که تا حدی به آنها تأمین می دهد، خوشوقت می باشند.

نمره - ۳۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ فوریه)

از طهران ۲۸ فوریه ۱۹۱۰ [۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۷ صفر ۱۳۲۸]

از موقعی که دولت ایران تقاضای استقراض را از دولتین نموده است الی حال فرقه مخالف استقراض از دولتین ظاهراً قوت گرفته و به گمان من اطمینان از قبولی شرایط پیشنهادیه نمی توانیم داشته باشیم.

از قرار مسموع دسته ای از مجلس طرح بعضی نمایشهای مالی بر علیه [= علیه] استقراض ریخته اند به این ترتیب که عریضه به امضای عده کثیری از تجار و همچنین تلگرافاتی از علماء نجف و سایر نقاط در رد آن به مجلس رسیده است ولی وزراء هنوز شرایط را اظهار به مجلس ننموده اند.

نمره - ۳۵

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۳ مارس)

از پترزبورگ ۲ مارس ۱۹۱۰ [۱۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۹ صفر ۱۳۲۸]

در موقع ملاقاتی که امروز با مسیو ایزولسکی داشتم جناب معزی الیه اظهار داشتند که وضع تبریز به نظر من ابدأ خوب و رضایت بخش نیست. بعلاوه زحمت و اغتشاش جدید در خصوص حق ماهی گیری در نزدیکی انزلی واقع شده و مأمور قنسولگری روس در این واقعه مورد توهین و بد رفتاری شده. ممکن است بحسب ضرورت دولت روس در این مسئله بعضی اقدامات کند.

دیگر اظهار داشتند که در خصوص غارتها و خسارتهایی که قراجه داغیها مرتکب بوده اند و یا راجع بقتل صاحب منصب قزاق تاکنون دولت ایران ترضیه

دولت روس را حاصل ننموده و همچنین دولت ایران برای خلع اسلحه شاهسونها قدمی بر نداشته است و چنین اعتقاد دارند که بعد از شکست رحیمخان اغتشاش و بی‌نظمی بکلی مرتفع است.

نمره - ۳۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ مارس) از طهران ۷ مارس ۱۹۱۰ [۱۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۸] وزیر مالیه بهمراهی نماینده‌ای از وزارت خارجه برای خواستن بعضی توضیحات راجع به شرایط قروض دیروز به اینجا آمده و با حضور وزیر مختار روس و خود آن شرایط مفصلاً مباحثه و تشریح شده‌اند. وزراء اظهار داشتند که کابینه اساساً با استقراض دولتین مساعد است ولی امیدوار است اشکالاتی را که برای قبولاندن به مجلس خواهند داشت ما تسهیل می‌نماییم. وزیر مختار روس و من نیز اظهار امید کردیم که از همین توضیحات که امروز داده‌ایم مقصود حاصل شود و مشکلات مرتفع گردد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن از قرار معلوم هیئت سندیکای بین‌الملل شرقی به یکی از کمپانیهای انگلیس تکلیف نموده و (اپسیون) ۱ داده است که قرضی به دولت ایران بدهد. وثیقه و وسیله تأمین آن از قرار ذیل خواهد بود:

- ۱) منافع که دولت ایران از امتیاز نفت [= نفت] دارسی می‌برد.
- ۲) عایدات ضرابخانه.
- ۳) عایدات ادارات پست و تلگراف بعد از وضع قسمتی که در تاریخ ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ به حکومت هندوستان وثیقه داده شده است و همچنین کلیه عایدات دولت که هنوز آزادند.

خواهشمندم که مسیو ایزولسکی را از مسئله فوق مطلع سازید و پیشنهادکنید که یادداشت متعهدالمالی به مضمون ذیل به دولت ایران فرستاده شود: تا هنگامی که دولت ایران قروضی را که به دو بانک انگلیس و روس و همچنین به دولتین دارد نپرداخته و تا زمانی که مذاکرات راجع به استقراض اظهاریه به دولتین در میان است دولتین وثیقه دادن هیچ محلی از مالیات و عایدات دولت ایران را در مقابل هیچ استقراضی سواى استقراض اظهاریه تصویب نخواهند نمود.

نمره - ۳۸

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ مارس) از پترزبورغ ۱۰ مارس ۱۹۱۰ [۱۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۷ صفر ۱۳۲۸] اخباری که از تبریز به مسیو ایزولسکی رسیده موجب اضطراب خاطر است. از قرار مذکور پیروان باقرخان و ستارخان به همراهی فداییهای قفقازی که با پیرم هستند در خیال هجوم به بانکهای روس و غیره می‌باشند. بعلاوه مذکور است که از ماه نوامبر گذشته عده قشون روس در تبریز و اطراف بواسطه آنکه جمعی از آنها که موعد خدمتشان منقضی شده مراجعت نموده‌اند بالغ به پانصد هم نمی‌شود. از این عده ناچار يك قسمت جنگی نخواهند بود و فقط نصف این عده در تبریز متوقف‌اند.

مسیو ایزولسکی پس از دادن این اطلاعات به من اظهار نگرانی و اضطراب زیادی نمودند که مبادا این عناصر متمرده خیال خود را به موقع اجراء گذارند.

نمره - ۳۹

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ مارس) از پترزبورغ ۱۱ مارس ۱۹۱۰ [۲۰ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۸ صفر ۱۳۲۸] امروز بر حسب دعوت مسیو ایزولسکی به ملاقات ایشان رفتم. جناب معزی‌آلیه اظهار داشتند که اطلاعات واصله از تبریز بیش از پیش موجب نگرانی و اضطراب خاطراند لهذا به وزیر مختار روس در طهران تلگرافاً [= تلگرافی] دستورالعمل داده شد که به دولت ایران اصرار نماید که بدون فوت وقت اقدامات سریعه برای مطیع‌کردن و جلوگیری ستارخان و باقرخان به عمل آورند و خاطر نشان نماید که اگر در این امر کوتاهی شود دولت روس خود ناچار اقدام و عمل خواهد نمود.

نمره - ۴۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ مارس) از طهران ۱۲ مارس ۱۹۱۰ [۲۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۸] راجع به تلگراف سر آ. نیکلسن مورخه ۱۰ مارس قنسول دولت فخمیه از تبریز تلگرافی به مضمون ذیل مخابره می‌کند:

«ما بین بعضی طبقات مردم برضد حضور قشون روس هیجان و غلیانی حادث شده و قنسول روس خوف دارد از اینکه اتفاقاتی بیفتد. به عقیده من این خوف بکلی خالی از مأخذ و احساس نیست و اگر قسمتی از قشون دولتی که فعلا در اینجا است ممکن شود باقی باشند بهتر است زیرا که در آن صورت ایالت خواهد

نوانست از اوضاع جلوگیری نماید و مخالفین جرئت اقدام به عملی نخواهند کرد. علاوه بر این ایالت به من اطلاع داد که حالیه امید آن است که ستارخان و باقرخان عمماً قریب به طرف پایتخت عزیمت نمایند».

این بود تلگراف تبریز ولی وزیر داخله اظهار داشت که ایالت آذربایجان دارای استعداد کافی است و احتمال بروز هیچ اغتشاشی را هم نمی‌دهد. بعلاوه ستارخان و باقرخان عازم طهرانند.

نمره - ۴۱

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ مارس) از پترزبورغ ۱۲ مارس ۱۹۱۰ [۲۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۸] راجع به تلگراف جنابعالی مورخه ۸ مارس مسیو ایزولسکی به من اطلاع دادند که جناب ایشان و وزیر مالیه در نظریات شما تصدیق و شرکت دارند. لهدا به وزیر مختار روس در طهران دستورالعمل داده شده است به طوری که تعلیم داده شده یا وزیر مختار انگلیس متفقاً به دولت اخطار نمایند.

نمره - ۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی از وزارت خارجه انگلیس مورخه ۱۲ مارس ۱۹۱۰ [۲۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۸] یادداشتی به مضمونی که در تلگراف ۸ مارس خودم به پترزبورغ (جمله آخر) معین کرده‌ام خطاب به دولت ایران نمایید. اجازه دارید که با مسیو پاکلوسکی در این امر متفقاً عمل کنید.

نمره - ۴۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (مورخه ۱۳ مارس) از طهران به تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۱۰ [۲۲ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱ ع ۱ - ۱۳۲۸] باکمال افتخار راپورت می‌دهم که یادداشتی به دولت ایران فرستاده‌ام و تقاضای وزیر مختار روس را که راجع به اخراج ستارخان و باقرخان از تبریز و خلع اسلحه پیروان آنها بوده تأیید نمودم.

نمره - ۴۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ مارس)
از طهران ۱۳ مارس ۱۹۱۰ [۲۲ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱ ع ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف ۱۳ مارس خودم:

قنسول دولت فخیمه در این امر تأکید بلیغ می‌نماید که ستارخان و باقرخان باید از شهر تبریز اخراج شوند و تا هنگامی که این مسئله انجام نشده امید استقرار نظم و آسایش و صلح نیست.

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۵

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ مارس)
از طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۵ صفر ۱۳۲۸]
امروز من و وزیرمختار روس مراسله مشترکی که حاکی از شرایط پیشنهادیه دولتین برای دادن استقراض چهار صد هزار لیره به دولت ایران بوده متفقاً به دست ثقة‌الملک کفیل وزارت امور خارجه دادیم. اینک با کمال افتخار سواد آن را لفا ارسال می‌دارم:

در موقع تسلیم مراسله اظهار امید نمودیم براینکه شرایط مزبور که مطابق با خط مشی و پلטיکی است که دولتین نسبت به دولت ایران در قرارداد ۱۹۰۷ برای خود اتخاذ کرده‌اند مقبول دولت ایران افتد.

بنده... ج بارکلی

ملفوفه در نمره ۴۵

مراسله مشترك خطاب به ثقة‌الملک
در جواب تقاضایی که دولت ایران در تاریخ ۱۳ دسامبر به سفارتین اظهار داشته‌اند دولتین انگلیس و روس حاضرند که مبلغ چهارصد هزار لیره (۱۰،۰۰۰،۰۰۰ فرانک) قرض به دولت ایران بدهند مشروط بشرايط ذیل:

(۱) پروگرام راجع به مصارف وجه استقراض به تصویب سفارتین برسد. کلیه مصارف این پروگرام در تحت کنترل هیئت کمیسیون خواهد بود که مرکب باشند از مستشار مالیه و مدیرکل گمرکات (در صورت غیبت نمایندگان آنها) و دو نفر از اعضای مجلس و دو نفر دیگر از مأمورین ایرانی کلیه در تحت ریاست وزیر مالیه. هیچ مخارجی نمی‌شود مگر آنکه حواله‌ای بر طبق آن صادر شود که به امضای وزیر مالیه با موافقت کمیسیون کنترل و وزیری که مخارج مربوط به اداره او است قبلاً رسیده باشد.

(۲) پروگرام مصارف را سفارتین تصویب نخواهند کرد مگر اینکه شامل ماده استخدام هفت نفر مستخدمین فرانسوی برای وزارت مالیه بوده باشد.

این مستخدمین دارای اختیارات اجراییه بوده و استخدامشان مطابق لایحه‌ای که مستشار مالیه ترتیب داده و تقدیم دولت کرده خواهد بود. بهمچنین وظایف آنها موافق دستوری است که با مساعدت مستشار مالیه نوشته شده و به تصویب مشارالیه خواهد رسید.

قبل از اینکه دولت ایران رسماً تقاضای استخدام آن مستخدمین را از دولت فرانسه بنماید هیچ قسمتی از وجه استقراض تأدیه نخواهد شد.

۳) پروگرام مزبور بهمچنین تصویب نخواهد شد اگر ماده‌ای در خصوص تشکیل قوه کافی برای حفظ و تأمین طرق و روابط تجارتي را شامل نباشد. دولت ایران باید متعهد شود که بهر زودی که ممکن است معلمها و مشاقمهای خارجه به خدمت بطلبد ولی برای هیچ قوای مسلحی هیچ مشاق و معلم خارجی مستخدم نخواهد کرد مگر اینکه استخدام آن به تصویب دولت روس و انگلیس برسد.

۴) دولت ایران متعهد شود که هیچ امتیازی برای ساختن راه آهن در ایران ندهد مگر اینکه قبلاً حق تقدم آن امتیاز را به دولت انگلیس و روس تکلیف نماید. این حق تقدم درموردی که امتیاز ساختن و دایر کردن راه آهن به تبعه دولت علیه داده می‌شود و منحصرأ با سرمایه داخلی ساخته می‌شود اعمال نخواهد شد بشرط اینکه موافق پسند و رضایت دولتین انگلیس و روس ثابت گردد که آن سرمایه حقیقتاً از داخله است.

۵) امتیاز کشتیرانی دریاچه ارومیه به شرکت راه تبریز و جلفا داده شود. اگر دولت انگلیس و روس بدادن استقراض بزرگی که دولت ایران درخواست نموده است قبولی و رضایت دادند این مبلغ که فعلاً تأدیه می‌شود مساعده و قسط اول آن استقراض محسوب خواهد شد ولی اگر استقراض بزرگ قبول نشد این قرض با منافع صدی هفت باید در ده قسط متساوی سالیانه مستهلك شود. محل تأدیه و ضمانت اقساط از عایدات گمرک خواهد بود و در صورت عدم کفایت عایدات مزبوره عایدات ضرابخانه بقیه را تأمین و ضمانت می‌نماید.

طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۵ صفر ۱۳۲۸]

نمره - ۴۶

قسمتی از راپورت سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ مارس)

از طهران ۲۴ فوریه ۱۹۱۰ [۵ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۸]

افق اوضاع آذربایجان از اثر اضمحلال رحیمخان روشن‌تر است ولی در تبریز هنوز ستارخان و باقرخان مایه اضطراب خاطرند و موافق راپورت کفیل قنسول ژنرال دولت فخمیه تا هنگامی که رفع این دو نفر نشده اکثر ازاروپاییان از عزیمت قشون روس از تبریز در خوف و هراسند.

در ولایات اردبیل بنا به اظهار وزیر داخله شاهشونها تسلیم شده و وعده

داده‌اند که اموالی را که در طغیان اخیر غارت کرده‌اند مسترد دارند. اطلاعات واصله از فارس ابدأ خوب نیستند. از قرار معلوم قوافل بین شیراز و بوشهر از راه چره تردد می‌نمایند ولی امنیت این راه منوط به میل صولت‌الدوله است و مطابق دلخواه بلکه به حکم مشارالیه بوده که دولت راه چره را بعوض راه رسمی کازرون برای تردد قوافل قبول کرده و امنیت آن را تعهد کرده است. وضع دخالت صولت‌الدوله اطمینان‌بخش نیست و راپورت‌های جدید حاکمی بر این‌اند که رؤسای ایلات در فارس عموماً مخالف با نفوذ بختیاری در امور دولت می‌باشند و از آن تاریخ تلگرافی از کفیل ژنرال قنسول مقیم بوشهر رسیده مشعر بر اینکه بعضی اغتشاشات به دست صولت‌الدوله در شرف تولید است و ممکن است مقصد اغتشاش ضدیت با نفوذ و اقتدار کاملی باشد که بختیاری از ابتدای انقلاب تحصیل کرده. در این موضوع «مسجیر ترور» [میجر ترور؟] اطلاع می‌دهد که رؤسای طوایف کهکلو [کهگیلویه] با قشقایی هم خیال و شریک‌اند. خیال و نقشه صولت‌الدوله هر چه باشد اوضاع فارس ظاهراً بسته به میل اوست و دولت ایران با حالت حالیه امید مطیع و محدود کردن او را نمی‌تواند داشته باشد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ مارس)
از طهران ۲۵ فوریه ۱۹۱۰ [۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۸]
آقا

با کمال افتخار خلاصه معمولی ماهیانه را که حاوی وقایع ایران برای چهار هفته گذشته می‌باشد لفاً تقدیم می‌دارم.

بنده ... ج بارکلی

ملفوفه در نمره ۴۷

خلاصه وقایع ایران متعلق به چهار هفته گذشته که منتهی به ۲۵ فوریه ۱۹۱۰
[۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۸] می‌شود.

طهران

سفارتین انگلیس و روس شرایطی را که دولتین برای دادن استقراض
۴۰۰،۰۰۰ لیره متفقاً پیشنهاد نموده‌اند به دولت ایران اطلاع دادند.

مجلس

وزیر مالیه در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۱۰ [۹ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۷ محرم ۱۳۲۸]

لایحه راجع به استخدام هفت نفر مستخدم خارجه برای وزارت مالیه که حقوق آنها کلیه ۵۷۲۴۰ تومان خواهد بود (۱۱۰۰۰ لیره) پیشنهاد مجلس نمود بالاخره مسئله راجع به کمیسیون مالیه مجلس گردید.

در تاریخ ۵ شهر حال [۱۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۸] مجلس علاءالسلطنه وزیر خارجه را در خصوص حضور دائمی قشون روس در ایران استیضاح نموده چندین نفر از وکلاء حرارت و تشدد فوق‌العاده بروز داده‌اند. اهمال وزیر خارجه را در کمال سختی تنقید و تقبیح نمودند جوابهایی که وزیر خارجه و معاون وزارت خارجه در این موضوع داده‌اند به نظر مجلس مسکت و رضایت‌بخش نبود. بالاخره در موقعی که از مجلس رأی خواسته شد رأی عدم اعتماد دادند.

این رأی که بمنزله خلع علاءالسلطنه بود باعث شد که مشارالیه از آن روز به بعد مقام وزارت خارجه را ترك نموده و در همان شب به سفارتین اطلاع داده شد که علاءالسلطنه استعفاء کرده و وزارت خارجه در تحت مسئولیت ذمه‌الملك معاون خواهد بود.

در تاریخ ۲۰ شهر حال وزارت جنگ بودجه چهار ماهه را که منتهی به ۲۱ مارس آینده می‌شود پیشنهاد کرده در مجلس قرائت و تصویب شد. چند فقره مطالب راجعه به امورات محلی و داخلی که چندان اهمیت نداشتند نیز در طی جلسات مجلس مورد بحث گردیدند.

تبریز

در تاریخ اول فوریه ۱۹۱۰ [۱۲ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۸] اردوی دولت در تحت فرمان سردار بهادر و یفرم و صمدخان و باقرخان که در اهر جمع شده بودند در نزدیکی محل مزبور به استعداد رحیمخان هجوم آورده و شکست فاحشی داده‌اند. رحیمخان منهزم گردید، سردار بهادر و یفرم به تعاقب او رفتند مع ذلك مشارالیه فرار کرده و بهمهراهی بعضی از اقوام و خانواده خود بسلامت خود را به خاک روسیه رسانیدند.

دو عراده توپ و هشت بار قورخانه و اشخاصی که در قید رحیمخان بودند به دست قشون دولت که او را تعاقب می‌کردند افتادند.

تمام رؤسای قراجه‌داغ و شاهسون که از جمله آنها کریمخان برادرزاده رحیمخان است، با دولت صلح نمودند و از قرار راپورت رحیمخان مقصدار زیادی از مال‌التجاره غارت شده بهمهراه خود برده است.

رشت

آرامی در این محل فرمانروا بوده است. داوطلبان ملی را خلع اسلحه کردند و ۲۰۰ نفر از فوج خلیج ساخلوی شهر است.

مشهد

در مشهد و خراسان نظم و سکونت غلبه داشته است. از قرار معلوم عنصر مذهبی مشغول تهیه قوای خویش است که بر ضد اوضاع جدید اقدام و کوشش نمایند لیکن ایالت جدید بر موافقت و مساعدت نمایندگان ملیون که از طهران آمده اند عمل می نماید و محتمل است که در مقام خود باقی بماند.

ترت حیدری

در تاریخ ۳۱ دسامبر استعداد حکومت به قلعه سالارخان موسوم به «الیغ» هجوم آورده سرکرده قشون دولت در اوایل جنگ جراحت کمی برداشت. بنابراین قشونی که در تحت فرمانش بودند دست از جنگ کشیدند. زن و بچه های سالارخان اسیر و محبوس اند.

اصفهان

تشاجرات بین مآوزین محلی مکرر و زیاد بوده ظاهراً باعث این مشاجرات علماء محل اند که برای حفظ نفوذ خود در جد و جهد و کوشش اند و لیکن اطلاعات اخیر مشعر بر این اند که آقا نجفی و دو پسرش مشغول تهیه اند که از اصفهان خارج شده و به کربلای معلای مشرف شوند و مایل اند که املاک و متعلقات وسیع خود را در تحت حمایت خارجه بگذارند.

در تاریخ ۱۷ فوریه [۱۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۸] پنجاه شصت نفر سید شروع به اغتشاش نموده و دکاکین بازار را بزور بستند و بر ضد انجمن فریاد بلند نمودند. سوارهای بختیاری مأمور به باز کردن دکاکین شده اند و سادات را مجبور کردند که پی کار خود بروند. پس از آن جار زده شد هرکس دکان ببندد اموال او غارت شده و جانش در معرض خطر خواهد بود. مقصود از اقدام و غوغای سادات این بود که بر ضد رئیس نظمیه که کاغذ آقا نجفی را راجع به استخلاص يك نفر محبوس پاره کرده و برای خود آقا عودت داده بود پروتست نمایند.

در تاریخ ۱۷ فوریه [۲۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۶ صفر ۱۳۲۸] يك نفر آخوندی که با پلیس نزاع کرده بود اتمامی برای بستن بازار نمود این مرتبه نیز بزور مأمورین دکاکین باز شدند.

در نیمه اول فوریه تمام راههای اصفهان امن بوده و پستها منظمآ وارد می شدند و تا تاریخ ۱۶ فوریه راه شیراز خالی از اغتشاش بوده ولی در آن تاریخ ۴۰ نفر دزد که از قرار مزبور کهکلوئه [کهگیلویه ای] بودند در ارچینی سرقت نمودند. در این تاریخ از قرار تقریر مأمورین پست، راه بین ارچینی و شیراز خیلی ناامن بوده است ولی طرق دیگر خالی از بی نظمی بوده اند.

یزد

شهر ساکت بوده بهمچنین در راهها به استثنای راه کرمان که در اواخر فوریه چندین دزدی در آن واقع شده امنیت بوده دزدهای این راه که از قرار مذکور تولکی و چهارراهی و پا قلعه و لشنی اند در تحت ریاست فضلعلی و گنجعلی میباشند. در راه بین یزد و انار تردد می نمایند. حکومت اظهار می دارد که استعداد برای پاک کردن و تأمین راه فرستاده شده است.

بعلاوه حکومت جدیداً اظهار داشتند که مقام فعلی ایشان برای ایشان کوچک است و شاید در ظرف دو ماه آینده یکی از برادرزاده هاشان شاغل و قایم این مقام خواهند شد.

کرمانشاه

حکمران جدید نظام السلطنه در تاریخ ۸ ژانویه [۱۷ دی؛ ۲۵ ذی حجه] با ۱۰۰ سوار و ۵۰۰ سرباز وارد شدند و در آخر ماه ۲۰۰ نفر سوار سنجایی و نانه کلی نیز به او ملحق شدند و ۲۰۰ نفر در خود محل گرفته و مشغول مشق به آنها هستند. اقدامات حکومت تاکنون در شهر انتظام را حفظ نموده ولی برای اینکه با بعضی از مرتکبین عمده اغتشاش و بی نظمی بسختی و قدرت معامله نشده محتمل است که از اقتدار و نفوذش کاسته شود و از حیث خالی بودن خزانه نیز دوچار اشکال است.

در اوایل فوریه حکومت سالار مسعود رئیس گوران و حاکم قصر شیرین را احضار نمود که با فوج خود و مالیات در شهر حاضر شود در جواب متعذر به این عذر گردید که چون مسئول به حفظ حدود هستم اطاعت امر را نمی توانم کرد. حکمران مجدداً او را احضار نمود و از آن به بعد سالار مسعود با داودخان رئیس کلهر در مشاوره است.

داودخان به مستحفظین راه قصر شیرین حکم کرده که دیگر از قوافل پول بی حق نگیرند و تعدی نکنند. اکثر راهها امن اند ولی چندین فقره دزدی در بین راه کنگاور و همدان راپورت داده شده.

همدان

سردار ناصر زمام حکومت را در دست گرفته تاکنون کفایت چندانی بروز نداده و چندین فقره دزدی از ابتدای ورودش راپورت داده شده.

کرمان

ایالت که مصمم حرکت بلوچستان و ملاقات سرداران بلوچ بوده به دلیل اینکه دولت نتوانست پولی را که خواسته بود راه بیندازد و همچنین به علت خوف از بروز اغتشاش در شهر در غیاب خود مجبور به منصرف گردیدن از این خیال و مسافرت گردید.

ظهور دستجات دزد در راه یزد و کرمان ممکن است سبب انصراف ایشان از مسافرت و باعث اقامت در شهر کرمان شده باشد. مع هذا نماینده برای ملاقات سرداران بلوچ فرستاده است.

ظاهراً در اوایل ژانویه کاغذی از سردار سعیدخان به حکمران رسیده به این مضمون که چون شما رئیس تمام ایلات فارس هستید و طوایف بلوچ شما را به خوبی می‌شناسند برای اطاعت و انقیاد شما کاملاً حاضراند ولی چون دولت ایران بی‌قدرت و امورات مغشوش است بلوچیه‌ها نمی‌دانند چه کنند.

شهر ساکت و منظم است ولی صدور بعضی نظامات و قواعد از نظمیه راجع به تحدید تریاک باعث شکایت و هیجان کلی گردیده.

شیراز

شهر آرام است. شاهزاده فرمانفرما از مقام حکومت فارس استعفاء نموده و ظفرالسلطنه مأمور گردیده است و مشارالیه فعلاً در طهران می‌باشند. ضمناً صولت‌الدوله عملاً حکمران فارس است و بر وفق میل مشارالیه قوافل راه جره را به کار می‌برند. جدیداً مبلغ ۱۰۰ لیره برای قطع دعوی کمپانی دیکسن به قنصل دولت فنیمه داده است. این غرامت مال‌التجاره‌ای بود که کشکولیه‌ها از کمپانی مزبور در آن راه به سرقت برده‌اند.

راه کازرون و بوشهر و راه اصفهان کماکان ناامن است. چندین پست را زده‌اند و در نزدیکی کنار تخته به سیم تلگراف مکرر خرابی وارد شده است.

نمره - ۴۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ مارس) از طهران ۱۵ مارس ۱۹۱۰ [۲۴ اسفند ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۸] خواهشمندم به تلگراف مورخه ۱۲ مارس خودتان رجوع فرمایید امروز وزیرمختار روس و من مراسله‌ای به دولت ایران می‌دهیم به طوری که در تلگراف فوق‌الذکر تعلیمات داده شده آن دولت را اخطار می‌نماییم.

نمره - ۴۹

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ مارس) از پترزبورغ ۱۵ مارس ۱۹۱۰ [۲۴ اسفند ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۸] امروز بعد از ظهر مسیو ایزولسکی را ملاقات کردم. مجدداً اوضاع تبریز را مطرح مذاکره کرده و اظهار داشتند که اخبار موحشه کماکان از این محل می‌رسد و در تلگرافات روزنامه‌جات چنین اعلام شده که ستارخان و باقرخان حکم احضار به

طهران را اطاعت نکردند.

نمره - ۵۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ مارس) از طهران ۱۶ مارس ۱۹۱۰ [۲۵ اسفند ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۸] در تعقیب تلگراف مورخه ۱۵ مارس خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که وزیرمختار روس و من دیروز نظر به اینکه وزارت امور خارجه بواسطه اظهار استعفای کفیل آن وزارتخانه بی تکلیف و بی ترتیب بود مراسلات خود را تسلیم رئیس‌الوزراء نمودیم. ضمناً تقاضا نمودیم که جواب راجع به شرایط استقراض اشتراکی ما را بدهند. جناب رئیس‌الوزراء به ما چنین فهماندند که جواب مزبور استفهام و استفساری خواهد بود براینکه دولتین درمقابل استقراض بزرگ مذکوره در شرط ششم که برای تبدیل و تثبیت قروض ضرورت دارد چه شرایطی پیشنهاد دولت ایران خواهند نمود.

نمره - ۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی از وزارت خارجه انگلیس ۱۶ مارس ۱۹۱۰ [۲۵ اسفند ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۸]. خواهشمندم به تلگراف مورخه ۱۵ مارس از پترزبورگ مراجعه نمایید. خیلی لازم و پسندیده است که ستارخان و باقرخان فوراً از شهر تبریز عزیمت نمایند و دولت ایران برای انجام این مقصود باید هر اهتمام و جد و جهدی که لازم است بنماید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۵۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ مارس) طهران ۱۷ مارس ۱۹۱۰ [۲۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۱ - ۱۳۲۸] به مدت قرارداد بین دولت ایران و مسیو بیزو مستشار مالیه سه ماه دیگر افزوده شد. با حالت حالیه این شاید بهترین ترتیبی است که ممکن بود فراهم شود زیرا که مستشار مزبور به تجدید کنترات برای مدت دو سال کامل راضی نمی‌شود و قبل از انقضای این سه ماه اضافی معلوم خواهد شد که آیا دولت ایران خیال استخدام هفت نفر معاون مالیه را خواهد داشت و یا آنکه باید قایم مقامی برای مسیو بیزو معین شود. مدتی می‌گذرد که مسیو بیزو جداً مایل است که به فرانسه معاودت نماید و

فعلاً اجازه سه ماهه مرخصی را گرفته امروز عازم حرکت است و اگر مستخدمین مالیه اجیر شوند مشارالیه مراجعت خواهد نمود و آنها را به کار و خواهد داشت.

نمره - ۵۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ مارس) از طهران ۱۷ مارس ۱۹۱۰ [۲۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۱ ۱۳۲۸] امروز وزیر مالیه در موقع ملاقات و صحبت با مستر چرچیل اظهار داشته است که با وجود احتیاج و ضرورت فوری و فوق‌العاده دولت به پول، حسیات عمومی فعلاً به طوری است که پیشنهاد شرایط استقراض به مجلس بکلی بی‌حاصل و بی‌نتیجه است و یقیناً مجلس با عناصر فعلیه شرایط را رد خواهد کرد. مستر چرچیل به وزارت مالیه صلاح‌اندیشی کرده که مراسله‌ای بدان مفاد به سفارتین بنویسند.

نمره - ۵۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ مارس) از طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸] خواهشمندم به تلگراف مورخه ۱۶ مارس خودتان مراجعه فرمایید. قنصل دولت فخمیه از تبریز تلگراف ذیل را کرده است: «حکم دولت راجع به حرکت فوری ستارخان و باقرخان از تبریز دیروز بتوسط ایالت به آنها اطلاع داده شد. ستارخان درکمال جسارت امتناع نموده ولی ظاهراً حرکت خود را موکول بدادن وجهی نموده است. از قرار اطلاع حاصله مشارالیه ده هزار تومان خواسته است بهر حال مذاکرات در بین است و امید می‌رود که مسئله بطور مطلوب و رضایت خاتمه پذیرد.»

www.adabestanekave.com

نمره - ۵۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ مارس) از طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸] در تعقیب تلگراف امروز خودم افتخار دارم که تلگراف ذیل را که از قنصل دولت فخمیه از تبریز رسیده عیناً مخابره نمایم: «ایالت الان به همکار محترم قنصل روس اطلاع داده که ستارخان و باقرخان فردای شنبه دو ساعت بعد از ظهر با یک عده سوار از تبریز حرکت خواهند کرد و دیگر ایالت اظهار داشته‌اند که مبلغ سه هزار و پانصد تومان به آنها داده شده که ۲۵۰۰ تومان آن برای سوارها و هزار

تومان برای خودشان بوده باشد.»

نمره - ۵۶

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ مارس) از پترزبورگ ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸] امروز بعد از ظهر مسیو ایزولسکی تلگرافی که تازه رسیده بود برای من قرائت نمود مفاد تلگراف اینکه ستارخان حکم ثانوی احضار به طهران را جداً و جزماً رد و امتناع کرده ولی باقرخان اطاعت حکم را مشروط به گرفتن ۱۰۰۰۰ تومان نموده. ایالت و پیرم اظهار عجز از توسل به قوای قهریه در این موضوع نموده‌اند.

نمره - ۵۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ مارس) از طهران ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [۲۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۸] مستر «شیپلی» تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که در پنج ساعت بعد از ظهر ۱۹ شهر حال ستارخان و باقرخان از تبریز حرکت کردند. هر يك از آنها پنجاه سوار همراه دارند بعلاوه بعضی از سوارهای پیرم و قزاقهای ایرانی نیز همراه بودند. منزل اول آنها باسمنج است که دو ساعت از شهر فاصله دارد. از قرار راپورت مشارالیهما برای عید نوروز که چهار پنج روز دیگر خواهد بود در آنجا توقف خواهند نمود - شهر کاملاً منظم است و هیچ اتفاقی از حرکت آنها واقع نشده.

نمره - ۵۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ مارس) از طهران ۲۱ مارس ۱۹۱۰ [۳۰ اسفند ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۸] معاون‌الدوله به سمت وزارت امور خارجه معین گردید.

نمره - ۵۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ مارس) از طهران ۲۱ مارس ۱۹۱۰ [۳۰ اسفند ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۸] تلگرافی از مستر گراهم به مضمون ذیل به من رسیده است: «حکومت اصفهان استعداد بزرگی با چند عساده توپ برعلیه [= علیه]

غریب‌خان نامی اعزام می‌نماید. مشارالیه که فعلاً دارای ۱۵۰۰ نفر جمعیت است در قمشه علم طفیان برافراشته.

نمره - ۶۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ مارس) از طهران ۲۳ مارس ۱۹۱۰ [۲ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۱ ع ۱ - ۱۳۲۸] راجع به تلگراف من مورخه ۱۶ شهر حال - دولت ایران وصول اخطار و گوش‌زدی را که دولت اعلیحضرتی راجع به استقراض کرده اقرار نموده و چنین اظهار می‌دارند که آنچه از عایدات مملکت که «در قید هیچ استقراض و تعهدی نیست» برای هر قسم معامله آزاد است و مذاکراتی که فعلاً راجع به استقراض اشتراکی در میان است به هیچ وجه حق دولت را در تعیین محل استعمال و مصرف آن عایدات محدود نمی‌نماید.

دیگر در جواب مذکور است که دولت ایران هر قراردادی که در خصوص منابع عایدات مملکت با دولت اعلیحضرتی انگلستان دارد کاملاً حفظ و رعایت خواهد نمود.

به وزیر مختار روس نیز مراسله‌ای شبیه به آن فرستاده شده به اضافه اینکه در جمله راجع به رد نمودن استقراض ذکر شده است که تمام تعهداتی که دولت ایران در قرارنامه‌جات قرضها در مقابل دولت امپراطوری روس به عهده گرفته کاملاً منظور خواهد داشت.

این مراسلات رضایت‌بخش نیستند لهذا ما پیشنهاد می‌کنیم که مجدداً جوابی به این مضمون داده شود:

اولاً عایدات گمرک و سایر منابع عایدات دولت که در مقابل قروضی که از روسیه و انگلستان کرده شده مرهون و مقیداند نمی‌توانند در هیچ حال وثیقه قرض جدیدی بشوند.

ثانیاً تمام تعهدات مالیه‌ای یا دیونی که دولت ایران از روسیه و انگلستان به عهده دارد که قرض جاری را هم شامل باشد، باید در تحت یک تعهد و قرارداد مرتبی مجتمع شوند که در آن قرارداد وجه سالیانه ثابتی برای پرداخت منافع و قسط استهلاك معین شده و همچنین محلهایی از مالیات و عایدات برای تأمین و اطمینان مقرر شود.

ممکن است در همین موقع گوشزد و اخطار به دولت ایران نمود که دولتین در صورتی که مایل نیستند مغل و مانع آزادی سایر خارجیهها در اقداماتی که مطلقاً تجارتي باشد بشوند ولی نمی‌توانند بپذیرند امتیازاتی که ممکن است مضر بر منافع و مصالح نظامی و پلتیکی دولتین در ایران باشد به خارج [خارجی] ها داده شود.

نمره - ۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۲۳ مارس ۱۹۱۰ [۲ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۱ ع ۱ -
[۱۳۲۸
به شرط تصویب مسیو ایزولسکی جوابی را که سر جرج بارکلی در تلگراف
امروزش پیشنهاد کرده من تصویب می‌کنم که به دولت ایران داده شود.

نمره - ۶۲

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ مارس)
از پترزبورغ ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [۹ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف سر جرج بارکلی مورخه ۲۳ مارس.
مسیو ایزولسکی در فرستادن جواب اظهاریه موافقت دارند.

نمره - ۶۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی.
از وزارت خارجه انگلیس ۳۱ مارس ۱۹۱۰ [۱۰ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۶ ع ۱ -
[۱۳۲۸
شما اینک اجازه دارید که بر طبق تلگراف امروز من به پترزبورغ عمل کنید.

نمره - ۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۳۱ مارس ۱۹۱۰ [۱۰ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۸]
تلگراف مورخه دیروز خودتان را ملاحظه کنید.
به نماینده دولت اعلیحضرتی در طهران تعلیمات داده شده که در دادن جواب
پیشنهادیه با همکار روس خود اتفاق و شرکت کند.

نمره - ۶۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ آوریل)
از طهران ۷ آوریل ۱۹۱۰ [۱۷ فروردین ۱۲۸۹؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف مورخه ۳۱ مارس جنابعالی
امروز به مضمون تعلیمات واصله مراسله مشترکی به دولت ایران دادیم.

نمره - ۶۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ آوریل)
از طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
آقا

وصول مشروحه مورخه ۱۲ ماه گذشته جنابعالی را راجع بقتل بعضی اسمعیلیها در مجاورت نیشابور با کمال افتخار عرض می‌کنم و راپورت می‌دهم که به وزیر داخله خاطر نشان نمودم که دولت اعلیحضرتی انگلستان به تنبیه و مجازات مرتکبین این جنایات اهمیت فوق‌العاده می‌دهد.

میجر سایکس انفصال حکام نیشابور و دررود و همچنین مجازات معین‌الغریاء و حاجی محمد باقر را تأکید و توصیه نموده تمام این اشخاص به استثنای حکومت نیشابور کم و بیش مستقیماً مسئول این قتلها می‌باشند.

من نتوانستم وزیر داخله را وادارم که تمام تقاضاهای فوق را کاملاً انجام دهد. جناب معزیه‌الیه از عزل حکومت نیشابور امتناع می‌نمایند زیرا که می‌گویند تقصیر او ثابت نیست. بعلاوه در خصوص تنبیه معین‌الغریاء جز تبعید مشارالیه به کربلای معلای یا نجف اشرف کار دیگری نمودند. لیکن حاکم دررود را خلع نموده و حاجی محمدباقر را حبس کرده‌اند و وعده می‌دهند که مادام‌الحویه در محبس باشد و املاک و اشیایی که از اسمعیلیها برده شده مسترد داشتند.

اگرچه نتیجه اقدامات من کاملاً رضایت‌بخش نیست ولی نظر به ضعف دولت عقیده من بر آن است که به وزیر داخله در این موضوع بیش از این اظهار و اصراری نکنم مگر آنکه در نیشابور باز متعرض اسمعیلیها شوند.

پنده ... بارکلی

نمره - ۶۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ آوریل)
از طهران ۲۴ مارس ۱۹۱۰ [۳ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۳۲۸]
آقا.

راجع به تلگرافات مورخه ۱۶ و ۲۳ شهر حال اینک بسا کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که در خصوص مذاکرات جدیده بین دولت ایران و سندیکای بین‌المللی برای استقراض ۵۰۰۰۰۰ لیره به دولت ایران نوشتم و همچنین سواد جواب آن را لفاً خدمت می‌فرستم.

پنده ... بارکلی

ملفوفه ۱ در نمره ۶۷

مراسله سر جرج بارکلی به دولت ایران
 طهران ۱۵ مارس ۱۹۱۰ [۲۴ اسفند ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۸]
 جناب اجل - افتخار دارم به اطلاع جنابعالی برسانم که دولت متبوعه من اطلاع
 حاصل نموده که هیئتی معروف به هیئت سندیکای بین الملل (لیمیتد) به یک کمپانی
 انگلیسی اجازه و حق تقدم داده است که به دولت ایران در این ایام ۲۰۰،۰۰۰ لیره
 و بعدها ۳۰۰،۰۰۰ لیره قرض بدهد.

و ثبته و محل تأمین آن قرض کلیه منافی که برای دولت ایران در امتیاز نفتی
 که در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۰۱ [۶ خرداد ۱۲۸۰؛ ۸ صفر ۱۳۱۹] به مستر داریسی
 داده شده منظور است و همچنین منافع ضرابخانه و سایر عایدات آزاد دولت و
 عایدات پست و تلگراف خواهد بود.

در این صورت به من تعلیمات داده شده که بدون فوت وقت به دولت ایران
 گوشزد و اخطار نمایم تا هنگامی که استقراض اشتراکی ۴۰۰،۰۰۰ لیره که دولتین
 انگلیس و روس در تاریخ ۱۳ ماه گذشته به دولت ایران تکلیف کرده اند در تحت
 ملاحظه است و تا هنگامی که تأدیه اصل و فرع قروضی که دولت ایران به دولت
 اعلیحضرتی انگلیس و بانک شاهنشاهی ایران مدیون است در عهده تعویق می باشد
 دولت اعلیحضرتی انگلستان نخواهد پذیرفت که دولت ایران هیچیک از منابع عایدات
 عمومی خود را در مقابل هیچ استقراضی بجز در مورد استقراض اشتراکی که فعلاً
 بین دولتین و دولت ایران در تحت مذاکرات است به وثیقه دهد.

ملفوفه ۲ در نمره ۶۷

جواب دولت ایران به سر جرج بارکلی
 طهران ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [۲۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۸]
 مراسله جنابعالی مورخه ۱۵ شهر حال راجع به اظهارات یک سندیکای بین المللی
 که به اطلاع دولت فنیمه انگلیس رسیده است شرف وصول ارزانی داشت. در مراسله
 منظوره چنین مسطور است که:

تا هنگامی که مسئله استقراض اشتراکی ۴۰۰،۰۰۰ لیره که دولتین انگلیس و
 روس در تاریخ ۱۳ ماه گذشته به دولت ایران تکلیف کرده اند در تحت ملاحظه است
 و تا هنگامی که تأدیه اصل و فرع قروضی که دولت ایران به دولت اعلیحضرتی
 انگلیس و بانک شاهنشاهی مدیون است در عهده تعویق می باشد، دولت اعلیحضرتی
 انگلستان نخواهد پذیرفت که دولت ایران هیچیک از منابع عایدات عمومی خود را
 در مقابل هیچ استقراضی بجز در مورد استقراض اشتراکی که فعلاً بین دولتین و
 دولت ایران در تحت مذاکره است وثیقه دهند.

با کمال افتخار جواباً خاطر نصفت مظاهر را استحضار می دهم که:
 اولاً بر دولت علیه ایران یقین است و جنابعالی نیز محققاً تصدیق خواهید فرمود